

نقد و ارزیابی محتوای کتاب درسی معارف اسلامی (دین و زندگی) دوره‌ی پیش‌دانشگاهی از دید صاحب‌نظران و دبیران

نویسنده: فاطمه‌سادات میرعارفین^{*۱}

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی و عضو دفتر تألیف سازمان پژوهش و
برنامه‌ریزی آموزشی و درسی

* E-mail: Mirarefin@hotmail.com

چکیده

در پژوهش حاضر که از نوع ارزشیابی است، از دید ۱۰ صاحب‌نظر برنامه‌ریزی درسی و موضوعی حوزه و دانشگاه و ۳۲ دبیر مجرب این حوزه، کتاب معارف اسلامی (دین و زندگی) دوره‌ی پیش‌دانشگاهی با هدف بررسی میزان تناسب محتوی با مؤلفه‌های مندرج در راهنمای برنامه‌ی درسی و نیز نارسایی‌های احتمالی و نقاط قوت، مورد نقد و ارزیابی قرار گرفت. در اجرا بر اساس رویکرد کیفی برای گردآوری داده‌ها، از پرسش‌نامه‌ی بازپاسخ و مصاحبه (پاسخ‌دهندگان؛ درک، تفسیر و تحلیل خود را در مورد هر محور، به شکل تشریحی ارائه کردند) استفاده شده است. با استناد به یافته‌های پژوهش، می‌توان در برخی مؤلفه‌ها، نظرات انتقادی و اصلاحی (نه به معنای عدم توفیق برنامه) و در برخی دیگر، تأیید منابع مختلف اطلاعاتی را مشاهده کرد. یافته‌ها نشان داده؛ محتوای کتاب، به گونه‌ای تهیه شده که با شرایط و نیازهای زمانی مخاطبان، قابل تجدیدنظر است به‌علاوه رویکردی که مبتنی بر افراط یا تفریط در آموزه‌های دینی باشد نیز در آن، مشاهده نمی‌شود از سوی دیگر چنین انتقاد شده که سنت و سیره‌ی عملی معصومین (علیهم‌السلام) کمتر مورد توجه قرار گرفته و اگرچه محتوای دروس با زندگی روزمره‌ی دانش‌آموزان مرتبط است اما ارائه نمونه‌ها و الگوهایی از علما و شخصیت‌های برجسته‌ی معاصر نیز مطالب کتاب را کاربردی‌تر خواهند کرد. اظهار نظرها، نشان داد که یکی از نکات مثبت کتاب، تلفیق مفاهیم قرآنی و معارف اسلامی است که گویای اصالت قرآن و منشاء پیدایش معارف اسلام از سوی خدا و سپس پیامبر و ائمه‌ی اطهار (علیهم‌السلام) است. منابع اطلاعاتی بر نقش دبیران دینی و بازآموزی و ارتقاء حرفه‌ای آن‌ها نیز تأکید بسیاری نموده‌اند.

کلیدواژه‌ها: رویکرد، اصول، اهداف، سرفصل‌ها، روش‌ها، نیازها.

دانشور

رشتار

تربیت و اجتماع

• دریافت مقاله: ۸۶/۱۲/۲۵

• پذیرش مقاله: ۹۰/۲/۳

Scientific-Research Journal
Of Shahed University
Seventeenth Year
No.42
Aug-sep. 2010
Education & Society

دوماهنامه علمی-پژوهشی

دانشگاه شاهد

سال هفدهم - شماره ۴۲

شهریور ۱۳۸۹

مقدمه

دین اسلام همواره راهنمای انسان‌ها در تمام اعصار و قرون بوده و با اتکاء به ارزش‌های مطرح، زمینه‌های شکوفایی در عرصه‌های فردی و اجتماعی را فراهم آورده و مهارت‌های زندگی از بعد دینی را چراغ راه، قرار داده است. به‌زعم ملکی [۱]: "زندگی، ظرف رشد آدمی است و رشد او، منوط به قواعدی است که با زندگی مطابقت می‌دهد". از این منظر می‌توان انسان را درگیر نیازها، چالش‌ها، تعاملات و حرکتی دانست که او را به سمت رشد و کمال سوق می‌دهد. انسان در پی یافتن خود و رفع نیازهای زندگی، همواره در تلاش است و برای نیل به سعادت‌مندی، برنامه‌ریزی می‌کند. در این میان اگر بتوان از دین به‌عنوان مقوله‌ای ناگسستنی از زندگی نام برد؛ بنابر این، برنامه‌ریزان درسی باید تلاش خود را معطوف به طراحی برنامه‌هایی از نوع دینی نمایند که فطرت انسان‌ها بر آن نهاده شده است. تألیف کتاب درسی معارف اسلامی، در بعد تأمین نیازهای دانش‌آموزان و توجه به برخی از اهم مهارت‌های زندگی از جنبه‌های دینی - مذهبی، مصداق یکی از همین برنامه‌ریزی‌هاست.

در راهنمای برنامه‌ی درسی تعلیم و تربیت دینی [۲] آمده که مهم‌ترین رسالت نظام اسلامی، برنامه‌ریزی برای پرورش و رشد انسان‌هایی مؤمن و عامل به تعالیم اسلامی است. این سند؛ انجام رسالت مذکور را، هم بالندگی، دوام و استکمال نظام اسلامی می‌داند و هم فرصتی برای آحاد جامعه به منظور انجام وظایفی که خداوند برای آن‌ها معین فرموده تا به‌سوی فلاح و رستگاری گام بردارند. در بخش دیگری از راهنمای برنامه چنین می‌خوانیم: "در میان نهادهای تعلیمی و تربیتی، آموزش و پرورش به علت حضور مستمر اغلب دانش‌آموزان از سن ۷ تا ۱۸ سالگی در آن، وظیفه‌ای ویژه و تعریف‌شده دارد. وظیفه‌ی آموزش و پرورش، به‌عنوان بخشی از نظام اسلامی؛ تکمیل، تعالی و تعمیق تعلیم و تربیت دینی است و این وظیفه با تأمل مداوم،

بازنگری مستمر و چاره‌اندیشی پی‌گیر، برای تدوین و توسعه‌ی برنامه‌های کارآمد، میسر می‌گردد.

برنامه‌ی درسی دین و زندگی دوره‌ی متوسطه و پیش‌دانشگاهی، تلفیقی از تعلیمات دینی و برنامه‌ی انسان‌درطول‌زندگی است که گروه درسی تعلیم و تربیت دینی در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، طبق بررسی‌های کارشناسی و نشست‌های علمی - تخصصی، آن را طراحی کرده است. این برنامه‌ی درسی، مفاهیم قرآنی و معارف اسلامی را به متن زندگی پیوند می‌دهد تا از این طریق، نیازهای زندگی مخاطبان از بعد معارف دینی اسلام، تأمین گردد. گروه برنامه‌ریزی درسی تعلیم و تربیت دینی، بر این باورند که دانش‌آموزان درطول برنامه، قادر به شناخت، درک و انجام مهارت‌هایی در ابعاد گوناگون می‌شوند و در جهت‌دهی به زندگی آن‌ها مؤثرند. کسب این مهارت‌ها از طریق اهداف در قلمرو شناخت و بینش، باورها و گرایش‌ها، و عمل و رفتار میسر می‌گردد که در پایه‌های مختلف تحصیلی و گام‌های متعدد به آن‌ها پرداخته شده و به‌شکل پیوسته، دانش‌آموزان را درگیر می‌کنند.

آنچه که می‌توان به‌عنوان نقطه‌ی عطف این برنامه ذکر کرد، در هم آمیختن مفاهیم قرآنی و معارف اسلامی به‌عنوان دو رکن اساسی تعلیم و تربیت اسلامی و توجه‌هایی است که به زندگی معصومین (علیهم‌السلام) شده است تا از این رهگذر، کمال مطلوب انسانی حاصل گردد.

در جریان انجام و اجرای فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی این برنامه؛ پرداختن به قدرت تفکر، خلاقیت، زیبایی‌شناسی، تجزیه و تحلیل، و نقد مسائل، در زمره‌ی اصولی هستند که زمینه‌های رشد و تعالی دانش‌آموزان را در مقابل چالش‌های پیش‌روی زندگی، فراهم خواهند کرد. در این خصوص، بازرگان [۳] فعالیت‌های آموزشی هر کشور را، سرمایه‌گذاری یک نسل برای نسل دیگر می‌داند و هدف اصلی این سرمایه‌گذاری را توسعه‌ی انسانی معرفی می‌کند. او اظهار می‌دارد که هدف فعالیت‌های آموزشی، رشد آگاهی و توانایی‌های بالقوه‌ی

در بسیاری از نظام‌های برنامه‌ریزی درسی غیرمتمرکز، ارزشیابی به‌عنوان عنصر اصلاح‌کننده‌ی برنامه، مورد پذیرش واقع شده است. در این نوع نظام‌ها، فرایند برنامه‌ی درسی هر سال از طریق شورای برنامه‌ریزی منطقه، به‌هنگام می‌شود. این فرایند، زمینه‌های بازنگری مستمر برنامه‌ی درسی مبتنی بر ارزشیابی برنامه‌ی رایج را فراهم می‌کند. این بازنگری به‌منظور دریافت مواد درسی و آموزشی بهبودیافته، برای تدوین برنامه‌ی جدید، یک ضرورت محسوب می‌شود [۶].

از آنجا که برنامه‌ی درسی در نیل به نیازها و مطالبات دانش‌آموزان تدوین می‌شود، لذا باید گفت کاربران اصلی برنامه، آن‌ها هستند. بدین‌علت ارزشیابی می‌تواند در این خصوص اطلاعاتی کسب و راهکارهای لازم را برای اتخاذ تصمیمات مناسب‌تر ارائه نماید. در این میان کتاب درسی به‌عنوان محصول فرایند برنامه‌ریزی درسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و "بهبود برنامه‌های آموزشی، هدف اصلی ارزشیابی به‌شمار می‌آید [۷]". از این رو برنامه‌های درسی پس از گذر از مرحله‌ی طراحی و تدوین، و پیش از آن که در دسترس مخاطبان اصلی قرار گیرد، به‌منظور آشکارشدن نارسایی‌های احتمالی و قوت‌های موجود، بررسی، بازنگری و اصلاح می‌شوند. بررسی حاضر نیز در مورد تناسب مؤلفه‌ها و عناصر اساسی مندرج در راهنمای برنامه‌ی درسی تعلیم و تربیت دینی [۲] مانند رویکردها (جهت‌گیری کلی راهنمای برنامه‌ی درسی تعلیم و تربیت دینی بر اساس رویکرد فطرت‌گرا: کمال‌گرایی، توجه به تفکر عقلی، جمع‌گرایی عقل و عرفان، زیبایی‌گرایی و ...)، اصول حاکم بر برنامه‌ی تعلیم و تربیت دینی (محور قرار گرفتن قرآن کریم و سنت و سیره‌ی معصومین (صلوات‌الله‌علیهم)، فراهم کردن فرصت تفکر و تأمل، تقویت احساس نیاز به دین، استفاده از دانش روز و ...)، اهداف کلی و ویژه‌ی دوره‌ی پیش‌دانشگاهی (در قلمرو شناخت و بینش، باورها و گرایش‌ها، عمل و رفتار، مندرج در راهنمای برنامه‌ی درسی تعلیم و تربیت دینی)، مفاهیم جزئی (برگرفته از اهداف ویژه‌ی دوره‌ی پیش‌دانشگاهی و مورد استفاده در

انسان است و از آنجا که آموزش، وسیله‌ای برای شناسایی مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه و پی بردن به راه‌حل‌های مناسب برای آن‌هاست؛ براین اساس، نظام آموزشی را می‌توان یکی از پیچیده‌ترین زیرنظام‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی منظور داشت. در تأیید این نکته می‌توان گفت چنانچه در هر نظام آموزشی، رشد قابلیت‌های انسان، هدف اساسی به‌شمار آید؛ تعیین محتوای آموزشی و فرصت‌های یادگیری، یاری متخصصان و دست‌اندرکاران حوزه‌های اجرایی را می‌طلبد و بایسته است نقطه‌ی تلاقی حوزه‌ی نظر و عمل، به‌دست مطالعات گوناگون سپرده شود تا از آن میان، آنچه که زمینه‌های رشددهنده‌ی انسان را تأمین می‌کنند، گزینش شوند و کیفیت آن‌ها، تضمین گردد.

ارزشیابی تکوینی (Formative Evaluation) که یکی از عناصر اصلی و محوری در فرایند برنامه‌ریزی درسی به‌شمار می‌آید، انجام تغییرات لازم در تمامی مؤلفه‌های برنامه‌ی درسی و طرح مناسب‌تر آن‌ها را به تهیه‌کنندگان برنامه گوشزد می‌نماید. بررسی عناصر برنامه، به تولیدکنندگان آن، امکان تصمیم‌گیری عقلانی‌تر را در تعیین فرصت‌های یادگیری برای مخاطبان فراهم می‌کند. در همین راستا مک‌نامارا [۴] بیان می‌دارد: "بسیاری از افراد بر این باورند که ارزشیابی، فرایندی به‌شدت پیچیده و بی‌نظیر است که در یک زمان خاص و به روشی خاص اتفاق می‌افتد و تقریباً همیشه در بردارنده‌ی نظرات کارشناسان بیرونی است". به‌زعم اسمیت [۵] ارزشیابی، بررسی منظم و قضاوت در باره‌ی فرایندها، تجارب و بروندادهای کاری است. این بررسی، برای تدوین اهداف، ارزش‌ها، چشم‌اندازها، نیازها و منابع یا وسایل، به تلاشی خاص می‌پردازد. وی تصریح می‌دارد که ارزشیابی، متضمن جمع‌آوری، منظم‌سازی و قضاوت کردن در باره‌ی اطلاعات مورد نظر به‌گونه‌ی روش‌شناختی است. او از این نوع ارزشیابی به‌عنوان یک فرایند پژوهشی (Research Process) نام می‌برد.

یا مزیت یک موضوع - برنامه، طرح یا مواد درسی - ذکر می‌کند. وی در ادامه‌ی بحث از سویی، ارزشیابی را به نحو انفکاک‌ناپذیری در کنار تدریس و یادگیری مورد توجه قرار می‌دهد و از سویی دیگر با رویکرد جدیدی، قرار گرفتن ارزشیابی را در برنامه‌ی درسی با فلسفه‌ی برنامه‌ی درسی در ارتباط می‌خواند و اظهار می‌دارد که تأمل فلسفی در ارزشیابی، قلمرو تازه‌ای از فلسفه‌ی برنامه‌ی درسی است.

اهمیت و ضرورت ارزشیابی به‌عنوان یک مؤلفه‌ی مهم برنامه‌ی درسی، از آن رو است که از نتایج ارزشیابی برای برنامه‌ریزی درسی بهتر و بهبود و اصلاح برنامه‌های درسی استفاده شود؛ در غیر این صورت، نحوه‌ی استفاده از نتایج ارزشیابی در برنامه‌ی درسی، مبهم باقی می‌ماند. برای این منظور، ضروری است که منابع کافی برای انجام ارزشیابی اختصاص یابد و ارزشیابی به‌عنوان وظیفه‌ی اصلی طراحان و مجریان، تلقی گردد [۱۱]. با این توصیف، هر گونه اتخاذ تصمیم در خصوص عناصر اصلی برنامه‌ی درسی، لازم است در کتاب درسی نمود داشته باشد [۱۲].

در همین راستا و با توجه به تصمیمات اتخاذ شده در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی در زمینه‌ی ارتقاء سطح کیفی برنامه‌های درسی، کتاب درسی معارف اسلامی که مرحله‌ی تولید را پشت سر گذاشته است، از دیدگاه صاحب‌نظران و دبیران این درس، مورد ارزشیابی قرار گرفت تا همانند سایر برنامه‌های درسی، از اعتبار کافی برخوردار گردد. به‌عبارتی، این کار به‌عنوان یکی از خط‌مشی‌های علمی و مصوب در فرایند تولید برنامه‌ها و مواد آموزشی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی به‌شمار می‌آید و انجام آن؛ امری ضروری، قطعی، بدیهی و مطابق با دستورالعمل مربوط است که میزان انطباق محتوا را با مواردی از قبیل علم روز، اهداف برنامه، توان و موقعیت‌ها و نیازهای زندگی فراگیران (نیازهای فردی و اجتماعی از بعد اخلاق، احکام، پرورش روحیه‌ی خلاقیت، پرورش قابلیت‌های ذهنی و مهارت‌های تفکر، حس مسئولیت دینی و ...) بررسی می‌کند [۱۲]، چرا که

انتخاب و سازماندهی محتوای کتاب درسی مانند هماهنگی میان دین و علم، هدایت‌های قرآن کریم درباره‌ی موضوعات مربوط به دوره‌ی پیش‌دانشگاهی، عبودیت و مصداق‌های آن در زندگی فردی و اجتماعی و ...، اصول سازماندهی و انتخاب محتوا (ساختار کتاب درسی مبتنی بر استفاده از آیات شریفه‌ی قرآن، فعال‌بودن دانش‌آموز، رعایت توالی مطالب، بهره‌مندی از هنر، مبنا قرار گرفتن هدف‌های مصوب، و ...)، روش‌های تعلیمی و تربیتی (روش‌های آموزشی پیشنهادی که همه‌ی آن‌ها مستلزم رعایت اصل فعال‌بودن دانش‌آموز هستند: همیاری، پرسش و پاسخ، داستان‌گویی، ایجاد فرصت تأمل با خود، تحقیق و مطالعه، نمایش، طرح الگو و اسوه، و ...)، مؤلفه‌های ارزشیابی (درچند بخش و زیرمجموعه‌های آن‌ها: رابطه‌ی میان اهداف و ارزشیابی، ارزشیابی از عناصر برنامه: عوامل بیرونی، ارزشیابی از دانش‌آموز: عامل درونی، جایگاه انواع ارزشیابی در تعلیم و تربیت دینی، خود ارزیابی دانش‌آموز: محاسبه نفس) و سایر مؤلفه‌های مورد نظر با محتوای تدوین‌شده، به عمل آمده است.

به عبارتی ارزشیابی تکوینی یا اعتبار بخشی، جزء لاینفک فرایند برنامه‌ریزی درسی است که تدوین کنندگان برنامه با کسب نتایج حاصل و بر اساس شواهد گردآوری شده، به تغییر و اصلاح می‌پردازند. به‌زعم هاوارد [۹] برنامه‌ی درسی، طرحی است برای یادگیری، شامل تعیین هدف برای گروه دانش‌آموزان، سنجش فعالیت‌ها و نیازها، و تعیین و تدوین مأموریت‌های برنامه. وی خاطر نشان می‌سازد که بهبود اهداف کلی، موضوعات، محتوا، استراتژی‌های تدریس و ابزارهای سنجش در دستور کار این طرح قرار دارد و لذا بهبود برنامه‌ی درسی را از طریق فرایند پرسش و پاسخ با کلمات چه کسی، چه چیزی، چرا، چه موقع و چگونه، ضروری می‌داند.

در این خصوص، باقری نیز به‌نقل از پائینار و دیگران [۱۰] مراد از ارزشیابی را بررسی نظام‌دار ارزش

برای اصلاحات لازم و کیفیت‌بخشی برنامه و در نهایت ورود به کلاس درس، هموار خواهد ساخت.

پیشینه‌ی پژوهش

انجام ارزشیابی‌های برنامه و کتاب درسی از نوع تکوینی محسوب می‌شوند و از نتایج به‌دست‌آمده، صرفاً به‌منظور کیفیت‌بخشی آن‌ها، اصلاح نارسایی‌ها و غنی‌سازی مباحث استفاده می‌گردد. بنابراین می‌توان گفت که همانند پژوهش‌های صرف، چندان دارای پیشینه‌ی پژوهشی نیستند، به‌ویژه اگر برای اولین بار به بوته‌ی ارزشیابی سپرده شده باشند. برنامه‌ی دین و زندگی که در سال ۱۳۷۹ با رویکردی جدید، توسط گروه درسی تعلیم و تربیت دینی در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی تهیه و تولید شده است، پیشینه‌ی پژوهشی بسیار محدودی دارد که از آن جمله، پژوهش‌هایی از نوع ارزشیابی کتاب‌های تازه تولید شده هستند. شایان ذکر است که در این نوع پژوهش‌ها، آنچه به‌عنوان سؤال محوری و مسئله‌ی اصلی، مد نظر قرار می‌گیرد، تناسب میان محتوای کتاب و مؤلفه‌های مندرج در راهنمای برنامه‌ی درسی مانند رویکرد، اهداف، اصول و ... یا ارتباط میان عناصر اصلی یک برنامه می‌باشد. در این بخش، به پژوهش‌های انجام‌شده پس از تولید برنامه، به‌طور اجمالی پرداخته می‌شود:

مقصودی [۱۳] با توجه به یافته‌های پژوهش خود بیان می‌دارد که مفاهیم به‌کار رفته در محتوای کتاب را برای دانش‌آموزان قابل درک، ذکر کرده و اذعان داشته که این محتوا در افزایش توانایی آنان برای برنامه‌ریزی در زندگی مؤثر است. وی هم‌چنین حجم محتوای دروس را با ساعات در نظر گرفته شده، متناسب می‌داند.

میرعارفین [۱۴] طی انجام پژوهشی، در خصوص اطلاعات دریافت‌شده اذعان می‌دارد: "به‌رغم آن‌که محتوای کتاب در مجموع مورد تأیید است، اما از دیدگاه منابع اطلاعاتی، برخی از مباحث و موضوعات به تأمل جدی‌تر و دقیق‌تری نیازمندند". وی تصریح می‌دارد که لازم است به جنبه‌های تعقلی و استدلالی تفکر توجه شود، از سنت و سیره‌ی معصومین (صلوات‌الله‌علیهم)

به‌پشتوانه‌ی یافته‌های حاصل، می‌توان مجوزی برای حضور کتاب در عرصه‌های اجرایی، صادر نمود.

در حقیقت باید گفت از آنجا که کتاب درسی به‌عنوان رکن اصلی آموزش و مرجعی معتبر و قابل اتکاء برای مخاطبان به‌شمار می‌آید، بررسی محتوای تدوین‌شده کتاب قبل از استفاده، از منظر سند برنامه درسی مربوط و تناسب یا عدم تناسب آن با مؤلفه‌های در نظر گرفته شده در این سند، جنبه‌های مثبت و نارسایی‌های احتمالی (مجموعه‌ی مواردی که باید در یک کتاب درسی رعایت شود مانند: ارائه مقدمه‌ای در آغاز کتاب، وضعیت چاپی، سادگی و روانی متن، فعالیت‌محوری محتوای کتاب، ایجاد علاقه و انگیزه در دانش‌آموزان، تناسب حجم محتوای کتاب با زمان پیش‌بینی شده و ...) را روشن و مسیر بازنگری، اصلاح و بهبود را طی می‌نماید تا با حداقل اشکال و ضعف در دسترس دبیران و دانش‌آموزان در سراسر کشور قرار گیرد که این بررسی، ارزشیابی تکوینی (Formative Evaluation) نامیده می‌شود. به‌سخن دیگر، در این مرحله از فرایند برنامه‌ریزی درسی، برنامه به‌منظور رفع نارسایی‌های احتمالی و آماده شدن برای عرضه به عرصه‌های اجرایی و کلاس درس در حال شکل‌گیری است. بنابراین، با توجه به هدف مورد نظر، مسئله‌ی پژوهش حاضر با این سؤال اساسی مواجه بود که از دیدگاه منابع مختلف اطلاعاتی (صاحب‌نظران برنامه‌ریزی درسی، موضوعی، حوزه‌های علمیه، کارشناسان دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، سرگروه‌های آموزشی درس دینی در سازمان‌های آموزش و پرورش شهر تهران، شهرستان‌های تهران و برخی از استان‌های کشور که در این پژوهش با نام "دبیران" از آن‌ها یاد می‌شود)، محتوای کتاب درسی معارف اسلامی تا چه حد با مؤلفه‌های تعیین‌شده در راهنمای برنامه‌ی درسی مربوط، تناسب دارد و اساساً جنبه‌های مثبت و نارسایی‌های احتمالی آن چیست؟ دستیابی به یافته‌های این پژوهش، تا حد امکان، راه را

سؤال‌های پژوهش

۱. تاچه حد محتوای کتاب درسی معارف اسلامی با رویکردهای مندرج در راهنمای برنامه‌ی درسی مربوط، تناسب دارد؟
۲. تاچه حد محتوای کتاب درسی معارف اسلامی با اصول حاکم بر برنامه‌ی تعلیم و تربیت دینی، مندرج در راهنمای برنامه‌ی درسی مربوط، تناسب دارد؟
۳. تاچه حد محتوای کتاب درسی معارف اسلامی با اهداف کلی دوره‌ی متوسطه و پیش‌دانشگاهی، مندرج در راهنمای برنامه‌ی درسی مربوط، تناسب دارد؟
۴. تاچه حد محتوای کتاب درسی معارف اسلامی با اهداف ویژه‌ی دوره‌ی پیش‌دانشگاهی، مندرج در راهنمای برنامه‌ی درسی مربوط، تناسب دارد؟
۵. تاچه حد محتوای کتاب درسی معارف اسلامی با مفاهیم جزئی دوره‌ی پیش‌دانشگاهی، مندرج در راهنمای برنامه‌ی درسی مربوط، تناسب دارد؟
۶. تاچه حد محتوای کتاب درسی معارف اسلامی با اصول انتخاب و سازماندهی محتوا، مندرج در راهنمای برنامه‌ی درسی مربوط، تناسب دارد؟
۷. تاچه حد روش‌های تعلیمی و تربیتی پیش‌بینی‌شده در راهنمای برنامه‌ی درسی مربوط، با محتوای کتاب درسی معارف اسلامی، تناسب دارند؟
۸. تاچه حد مؤلفه‌های ارزشیابی پیشرفت تحصیلی، مندرج در راهنمای برنامه‌ی درسی مربوط با محتوای برنامه‌ی درسی مربوط تناسب دارند؟
۹. تاچه حد محتوای کتاب درسی معارف اسلامی، با موقعیت‌ها و نیازهای زندگی فراگیران، تناسب دارد؟
۱۰. تاچه حد محتوای کتاب درسی معارف اسلامی، دارای جنبه‌های مثبت و نارسایی‌های احتمالی می‌باشد؟

روش

پژوهش حاضر از حیث روش، جزء پژوهش‌هایی با رویکرد کیفی محسوب می‌شود که با مطالعه‌ی کلیه‌ی منابع مربوط به موضوع و به‌منظور دستیابی به اطلاعات دقیق و جامع درخصوص تناسب محتوای کتاب درسی

بیشتر استفاده گردد، بر عفاف و حجاب برای زنان و مردان تأکید شود، به عنصر زمان و انعطاف پذیری در محتوا، دوران بلوغ و احکام آن در خصوص نیازهای مخاطبین، توجه گردد. به‌علاوه، شفاف‌سازی رویکرد اصلی در برنامه و اهداف تلفیقی بین دو درس دینی و قرآن را به‌عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر قلمداد کرده است.

وی در پژوهش انجام‌شده‌ی دیگری [۱۵]، ضمن بیان نکات مثبت مانند انطباق کتاب‌های دینی با مسائل و نیازهای روز، و نیز طرح آموزه‌های دینی و عرضه شدن در قالب‌های بیدارگرایانه در محتوا، اظهار می‌دارد که آموزش و بازآموزی معلمان باید در دستور کار قرار گیرد، بحث‌های جدید مانند سکولاریسم، فرائت‌های مختلف دینی و نحوه‌ی پاسخ‌گویی به آن‌ها باید ارائه شوند، به‌روز کردن مفاهیم عقیدتی و اخلاقی، ضروری است، و شناسایی هنجارها و ناهنجاری‌های جامعه، به آموزش جدی نیازمند است.

در جمع‌بندی از پژوهش‌های به عمل آمده می‌توان چنین اذعان داشت با توجه به آن‌که در مجموع ارائه‌ی مباحث در کتاب‌های دین و زندگی، مورد تأیید قرار گرفته است، با این حال منابع اطلاعاتی در مقام نقد و بررسی، به مضامین و نکات انتقادی یا اصلاحی اشاره کرده‌اند که مؤلفان کتاب را به تأمل، تعمق و بازنگری دقیق‌تری سوق می‌دهد.

در پژوهش حاضر، محتوای کتاب معارف اسلامی برای اولین بار از ابعاد گوناگون - رویکردها، اهداف، اصول، روش‌ها - پیش از ورود به کلاس‌های درس در سراسر کشور و از طریق دیدگاه‌های صاحب‌نظران حوزه و دانشگاه و نیز سرگروه‌های آموزشی این درس در سازمان‌های آموزش و پرورش کشور، مورد ارزشیابی قرار گرفته و نکات اصلاحی و انتقادی را به‌منظور بازنگری و بهبود برخی از مباحث و موضوعات کتاب، مطرح کرده‌اند.

ابزار

برای استفاده از نظرات کلیه منابع مختلف اطلاعاتی، دو نوع ابزار در نظر گرفته شد: ۱- پرسش‌نامه‌ی باز پاسخ برای صاحب‌نظران و دبیران ۲- مصاحبه برای صاحب‌نظران. لذا به منظور کسب اطلاعات مورد نیاز و دقت نظر بیشتر در انجام پژوهش، با مراجعه به اسناد و مدارک مربوط و مطالعه‌ی دقیق آن‌ها از قبیل کتاب درسی معارف اسلامی، راهنمای برنامه‌ی درسی مربوط، گزارش ارزشیابی‌های مربوط به کتاب درسی دین و زندگی ۱ و ۲ و ۳ دوره‌ی متوسطه، گفتگو با مسئول گروه درسی مربوط و اخذ نظرات ایشان، به تهیه و تدوین پرسش‌نامه‌ها مبادرت گردید. پرسش‌نامه‌ها در چارچوبی نیمه ساختاری، طراحی شدند و آنگاه برای برخورداری از روایی، در اختیار چهار نفر صاحب‌نظر گذاشته شدند. آنگاه پرسش‌نامه‌ها بازنگری و در چند بخش با رویکرد کیفی - به شکل توضیحی و بدون هرگونه مقیاس چند درجه‌ای - تنظیم شدند که به پاسخ‌دهنده این امکان داده می‌شد تا دیدگاه‌ها و تحلیل‌های خود را به شکل مکتوب و توضیحی یا از طریق مصاحبه، مطرح نماید. بدین ترتیب که در بخش اول پرسش‌نامه‌ها، تعداد ۸ سؤال در خصوص تناسب محتوای کتاب با مؤلفه‌های اساسی مندرج در راهنمای برنامه‌ی درسی طرح شد: تناسب میان محتوای کتاب با رویکرد (۹ محور)، تناسب میان محتوای کتاب با اصول کلی (۳۳ محور)، تناسب میان محتوای کتاب با اهداف کلی و ویژه (۱۵ محور)، تناسب میان محتوای کتاب با مفاهیم جزئی (۸ محور)، تناسب میان محتوای کتاب با اصول انتخاب و سازماندهی محتوای کتاب (۲۳ محور)، تناسب میان روش‌های تدریس با محتوای کتاب (۲۰ محور) و تناسب میان مؤلفه‌های ارزشیابی با برنامه (۱۳ محور). بخش دوم در پرسش‌نامه‌ی دبیران، امکان بررسی محتوای کتاب را به تفکیک هر صفحه (با ۱۰ درس و ۱۲۳ صفحه)، میسر می‌ساخت. به عبارتی در این بخش با توجه به تجارب علمی و اجرایی دبیران و به منظور اطلاع‌یافتن از قوت‌ها یا نارسایی‌های مطالب کتاب، هر درس، مورد بررسی دبیران

معارف اسلامی با مؤلفه‌های اساسی برنامه‌ی درسی مربوط و نیز یافتن جنبه‌های مثبت و نارسایی‌های احتمالی، به طراحی و تنظیم ابزار پژوهش با رویکرد کیفی و باز پاسخ (در چارچوب پرسش‌نامه و مصاحبه) مبادرت و به همراه سایر منابع (پیش‌نویس تایپ‌شده‌ی کتاب درسی و راهنمای برنامه) برای اجرا ارسال گردید. در ادامه‌ی انجام کار، طبق هماهنگی‌ها و تماس‌های قبلی با صاحب‌نظران، مصاحبه‌ها انجام و ضبط شدند.

جامعه و نمونه‌ی پژوهش

در ارزشیابی برنامه‌های درسی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، معیارها و اصولی مد نظر قرار دارد [۸] که ارزشیابی کتاب درسی معارف اسلامی نیز برای استفاده از دیدگاه‌های صاحب‌نظران و دبیران این درس، از همین رویه پیروی کرده است. این اصول عبارتند از: جامع بودن همه‌ی عناصر و ارکان برنامه‌ی مورد بررسی، پاسخ‌گویی یافته‌ها و منجرشدن به اصلاح برنامه، هماهنگی و همخوانی اجزای طرح و روش‌شناسی آن در راستای نیازهای برنامه‌ریزان و استانداردهای دفتر، رعایت اصول علمی و مبانی نظری از آغاز طرح تا تولید یافته‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، بی‌طرفی و پرهیز از هرگونه پیش‌داوری در تحلیل یافته‌ها. در همین راستا از میان صاحب‌نظران برنامه‌ریزی درسی: ۳ نفر، موضوعی (حوزه‌ی علمیه و دانشگاه): ۱۲ نفر، مجموعاً ۱۵ نفر به شکل هدفمند، و ۵۰ نفر دبیر معرب، با مشورت و نظر مسئول گروه درسی مربوط، انتخاب و به منظور دریافت اطلاعات، در نظر گرفته شدند. معیار انتخاب هر دو گروه پاسخ‌دهنده، برخورداری از مدرک دکتری و فوق‌لیسانس در حوزه‌های تخصصی مورد نظر، آشنایی با فعالیت‌های آموزش و پرورش، همکاری با آن و آگاهی از نحوه‌ی تولید برنامه‌ی درسی بوده است. شایان ذکر است که پژوهشگر با پیگیری بسیار، مجموعاً توانست از تعداد ۱۰ صاحب‌نظر و ۳۲ دبیر، اطلاعات مربوط را دریافت کند.

آن‌ها و جهت‌گیری‌ها و گرایش اظهار نظرها که از نظر پژوهشگر می‌توانند در اولویت کاری گروه درسی مربوط قرار گیرند؛ تجزیه و تحلیل، صورت گرفت. به عبارتی آنچه که از سوی پاسخ‌دهندگان در مقام تأیید یا به‌عنوان نکات اصلاحی ارائه شده‌اند، به‌شکلی برجسته‌تر بیان گردیده‌اند. لذا از این منظر باید گفت که برجسته‌شدن برخی از مباحث مورد نظر می‌تواند به‌عنوان راهکار قابل تأمل و تعمق در کیفیت‌بخشی محتوای کتاب درسی، محسوب گردد.

یافته‌های پژوهش

از آنجا که توضیحات و تحلیل‌های مربوط به محورهای هر سؤال پژوهشی، بسیارند، در این بخش به‌منظور پرهیز از اطناب، به ارائه‌ی برخی از محوری‌ترین و کلیدی‌ترین اظهارنظرهایی پرداخته می‌شود که یا در مقام تأیید مطرح شده‌اند یا جزء مضامین و نکات انتقادی به‌شمار می‌آیند که از نظر نگارنده به منزله‌ی عطف توجه، تأکید و تأثیرگذاری بیشتر در اتخاذ تصمیمات نهایی گروه درسی مربوط، تلقی می‌شوند. به عبارتی اگرچه در ظاهر، دیدگاه‌های متفاوتی بیان شده، اما برداشت کلی از آن‌ها، یا گرایش به سمت تأیید است یا انتقاد و بعضاً عدم جهت‌گیری. لذا موارد مطرح‌شده، از اهم موارد و جمع اظهارنظرهایی است که در قالب یک نظر و از قول هر گروه از منابع اطلاعاتی ارائه شده و می‌تواند به‌عنوان نمونه و نماینده‌ی دیدگاه‌ها، طیف اکثریت یا اقلیت را تحت پوشش قرار دهد و موضع‌گیری در باره یک موضوع را بیان نماید. شایان ذکر این است که سؤال‌های پژوهش که مؤلفه‌های اصلی برنامه را مورد بررسی قرار می‌دهند، مبنای طبقه‌بندی یافته‌ها در ارائه‌ی دیدگاه‌ها به‌شمار می‌آیند و بعضاً نقل قول مستقیم نیز به‌کار گرفته شده است. به‌علاوه در پایان هر سؤال، جدول خلاصه‌ی یافته‌ها بر اساس دیدگاه‌های اکثریت در مقام تأیید یا انتقاد از حیث حضور آن مؤلفه در کتاب مشاهده می‌شود. بدیهی است در هر طیف از دیدگاه‌ها، برنامه‌ریزان درسی مربوط، ناگزیر از مراجعه به پاسخ‌های تشریحی برای رفع

قرار گرفت. بخش دوم در پرسش‌نامه‌ی صاحب‌نظران با بخش سوم در پرسش‌نامه‌ی دبیران، مشترکاً تعداد ۲۱ سؤال درباره‌ی سازماندهی محتوای کتاب از قبیل رعایت اصول مورد نظر در متن درس‌ها، عناوین دروس، فعالیت‌های یادگیری، حس مسئولیت فوری و اجتماعی، پاسخ‌گویی به نیازها و مسائل دینی و مذهبی دانش‌آموزان، تناسب حجم محتوای کتاب با زمان پیش‌بینی‌شده و ... ، طراحی شدند و بخش پایانی پرسش‌نامه‌ها نیز مشترکاً به سایر نظرات و پیشنهادات منابع مختلف اطلاعاتی، اختصاص داشت تا چنانچه ناگفته‌ای وجود دارد، بیان گردد. یادآور می‌شود چارچوب پرسش‌نامه، مبنای اصلی مصاحبه قرار گرفت که گفت‌وگوی عمیق‌تر و دقیق‌تر در باره یک موضوع را برای صاحب‌نظر فراهم می‌ساخت. گفتنی است به‌منظور حصول از اجرای مناسب و دقیق‌تر ابزارها، اعتبار آن‌ها به‌هنگام پاسخ‌گویی به سؤالات پرسش‌نامه‌ها که با یک دستورالعمل مشروح همراه بود، توسط کلیه‌ی منابع اطلاعاتی و نیز در زمان انجام مصاحبه با صاحب‌نظران تعیین شد. به عبارتی ابزار پژوهش از سوی اکثریت قریب به اتفاق صاحب‌نظران و دبیران، معتبر تشخیص داده شد.

شیوه‌ی تحلیل داده‌ها

از آنجا که این پژوهش، با رویکرد کیفی انجام گرفته است، گروه‌های پاسخ‌دهنده از طریق پرسش‌نامه‌ی بازپاسخ و مصاحبه، امکان پرداختن دقیق به موضوع مورد بحث را داشته‌اند. با دریافت اطلاعات از منابع مختلف اطلاعاتی؛ به استخراج، دسته‌بندی، توصیف و تبیین آن‌ها به‌شکلی جامع و شفاف، مبادرت گردید. بدین ترتیب که با ارائه‌ی اطلاعات کیفی مربوط به هر مؤلفه و نقل قول‌های مستقیم در هر سؤال پژوهشی، به جمع‌بندی نهایی پرداخته شده است. در این جمع‌بندی با استناد به قضاوت‌ها و دیدگاه‌های صاحب‌نظران و دبیران، و با درنظرگرفتن معیارهایی از قبیل اظهارات اکثریت درخصوص موضوع مورد سؤال، طرح اهم مباحث، بحث برانگیزاننده بودن، تأکید بر

کلی و اساطیری هستند. به زعم برخی دیگر از پاسخ‌دهندگان به نظر می‌رسد مباحث؛ جامع نیستند، استدلال قوی ندارند، کمتر تعقلی و بیشتر جنبه‌ی تعبیدی دارند. در بخش دیگری از اطلاعات و در مقام انتقاد از نگاه صاحب‌نظران می‌خوانیم که در بحث از زیبایی-گرایی، هیچ اشاره‌ای به ابعاد زیبایی‌های قرآن و چگونگی پیدایش معاد نشده است زیرا ارائه‌ی این نوع موارد برای ایجاد جاذبه لازم‌اند. ایشان معتقدند اگر بتوانیم به ادبیات و زبان قرآن نزدیک شویم، به زیبایی‌گرایی واقعی دست یافته‌ایم. دبیران، موارد دیگری را، از جنبه‌ی انتقاد مورد تأکید قرار داده‌اند و بذل توجه بیشتر به آن‌ها را در غنی‌سازی محتوای کتاب، با اهمیت شمرده‌اند؛ از جمله این که لازمه‌ی اعتدال‌گرایی، طرح قوای سه‌گانه‌ی عقلیه، غضبیه و شهویه است که در اینجا فقط به عقل پرداخته شده است. پاسخ‌دهندگان اظهار می‌دارند که اعتدال در طرح تمدن ادیان و اقوام، قبل از اسلام و بعد از اسلام و عوامل مهم تمدن اسلامی که مهم‌ترین عامل آن، وجود رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است، رعایت نشده و معرفی جامعی از شخصیت حضرت، صورت نگرفته است. هم‌چنین گفته‌شده که در بخش دوم کتاب نیز به نظر می‌رسد استفاده‌های صحیح و به‌جای غرب از تکنولوژی، نادیده گرفته شده و با بدبینی و ستیزه‌جویی نسبت به پیشرفت‌های غرب، موضع‌گیری شده و در این موضع‌گیری از زبان خود غرب، شاهد آورده شده که چندان مناسب نیست. در این خصوص باید گفت که مواردی چون نظم، حقوق شهروندی و ... نیز نادیده گرفته شده است. این گروه از منابع اطلاعاتی اظهار داشته‌اند که متأسفانه به دلیل کمبود زمان و حجم زیاد کتاب دین و زندگی و کتب درسی دیگر؛ زمانی برای بروز خلاقیت، فراهم نمی‌شود.

جدول ۱. خلاصه‌ی یافته‌های سؤال اول

مؤلفه اصلی	محورها یا مقوله‌های مورد بررسی	حضور در کتاب
رویکردها	کمال‌گرایی، تفکر و تعقل، عقل و عرفان	تأیید
	زیبایی‌گرایی، اعتدال‌گرایی، خلاقیت	انتقاد

ابهامات و غنی‌سازی محتوای کتاب هستند و تأیید یک موضوع یا انتقاد از آن به معنای پایان کار نیست.

۱- تاچه حد محتوای کتاب درسی معارف اسلامی با رویکردهای مندرج در راهنمای برنامه‌ی درسی مربوط، تناسب دارد؟

با استناد به اکثر دیدگاه‌های منابع اطلاعاتی، می‌توان چنین گفت که ردّ پای برخی از رویکردها در میان مباحث کتاب، قابل مشاهده است.

به زعم صاحب‌نظران، معارف دینی و اخلاقی، فی‌نفسه موجب رشد و کمال انسان می‌شود، لذا محتوای کتاب، ویژگی کمال‌گرایی را داراست. دبیران نیز معتقدند با توجه به این‌که هدف قوانین الهی، رسیدن به رشد و کمال است، باید در تدوین کتب، سعی شود این ارتباط به صورت نظری و عملی برقرار گردد. عده‌ای دیگر از صاحب‌نظران در مقام تأیید به این موضوع اشاره کرده‌اند که دین و زندگی، مباحث را همراه با استدلال، تفکر و تعقل مطرح می‌کند و می‌کوشد دانش‌آموز با پیمودن این راه، به نتایجی برسد. دبیران هم‌چنین بیان داشته‌اند که به تفکر عقلی و عقلانیت به عنوان یکی از پایه‌های فرهنگ و تمدن اسلامی در عموم مباحث کتاب، توجه شده است. آنان می‌گویند: "به‌طور کلی تفکر عقلی و نگاه خردمندانه، و تجزیه و تحلیل مسائل با کمک تحلیل‌های عقلی، بر زوایای کتاب، پرتوافکنی دارد". پاسخ‌دهندگان هیچ نوع رویکردی که مبتنی بر افراط یا تفریط در آموزه‌های دینی باشد، مشاهده نکردند و بین عقل و نقل، تقویت استدلال عقلی، بعد احساسی مخاطب و جهت‌بخشی به رگه‌های باطنی‌گری جوان، به تلفیقی متعادل معتقدند، به‌طوری‌که ابتدا حوزه‌ی عقل و سپس حوزه‌ی قلب را مورد توجه قلمداد کرده‌اند. در عین حال برخی از این گروه از منابع اطلاعاتی معتقدند که در این کتاب، برهان فطرت شناخت و گرایش فطری، جایگاهی ندارد چون کمال‌گرایی از طریق گرایش فطری ایجاد می‌شود. به‌زعم آنان در کتاب، جای ارائه‌ی نمونه‌های موفق به‌عنوان الگوهای عینی، خالی است و مثال‌ها، عمدتاً

۲- تاچه حد محتوای کتاب درسی معارف اسلامی با اصول حاکم بر برنامه‌ی تعلیم و تربیت دینی، مندرج در راهنمای برنامه‌ی درسی مربوط، تناسب دارد؟

اطلاعات دریافت شده از سوی منابع اطلاعاتی حاکی از آن است که برخی از اصول در لابه‌لای متون کتاب درسی به‌طور مناسبی مشاهده می‌شوند. گفتنی است دیدگاه‌های برخی از منابع اطلاعاتی، جهت‌گیری خاصی را ارائه نکرده‌اند و تعدادی نیز در تعقیب کیفیت بخشی موضوعات کتاب، شکل انتقادی را پیش گرفته‌اند. برخی از صاحب‌نظران در مقام تأیید مطرح کرده‌اند که در بخش دوم، کتاب کوشیده تا راهی عزتمندانه برای حضور در دنیای امروز را پیشنهاد کند. دبیران نیز معتقدند که پیوندی تنگاتنگ بین برنامه‌ی نظری و عملی محتوا، ایجاد شده است و اگر پذیرش وجود داشته باشد، بیدارگری و جنب و جوش و رجوع به وجدان اخلاقی نیز ایجاد می‌شود. به‌زعم این گروه از منابع اطلاعاتی، کتاب، این روند را ایجاد کرده و یکی از نکات مثبت کتاب، همین است که علاوه بر مباحث نظری، عملاً آن را در زندگی انسان تبیین کرده تا انسان، مسائل دینی را جزئی از زندگی خود و برای اجرا در زندگی خود بداند. ایشان می‌گویند: "عمدتاً توجه کتاب به شبهه‌زدایی و پاسخ به شبهات است، نه ایجاد شبهه در ذهن دانش‌آموزان". پاسخ‌دهندگان بیان می‌دارند که در درس حقیقت‌بندگی، بیش از پیش شاهد برنامه‌ی جامع فردی و اجتماعی توحید عملی هستیم. صاحب‌نظران متذکر می‌شوند که کتاب معارف اسلامی، دانش‌آموز را کمک می‌کند تا در فضای نامناسب تمدن جدید و بشر امروزی، هویت اسلامی خود را باز یابد و آن را حفظ کند. دبیران نیز تصریح می‌دارند که اعتقاد به غیب، در مبحث توحید و بحث قضا و قدر، نهفته است و با تفهیم آنها، این اعتقاد در فرد نهادینه می‌شود. هم‌چنین گفته شده که در مطالب کتاب، توجه خاصی به حفظ وحدت اسلامی شده است. آنان تفکیکی بین اهداف دختران و پسران در

کتاب مشاهده نمی‌کنند، زیرا آن را درد همگانی می‌دانند و برای رسیدن به درمان نیز حرکت همگان را ضروری می‌دانند. از نظر پاسخ‌دهندگان، کتاب پیش‌دانشگاهی، به‌گونه‌ای تهیه شده است که با شرایط و نیازهای زمانی، قابل تجدیدنظر باشد. لذا این کتاب، مهارت‌هایی مانند خلاقیت فکری، قدرت تحقیق، مشورت و استدلال را تقویت می‌نماید. در عین حال به برخی از اهم مضامین انتقادی که توجه بیشتری را در بازنگری محتوا مورد تأکید قرار داده‌اند، اشاره می‌شود. به‌گفته‌ی دبیران، سنت و سیره‌ی معصومین (علیهم‌السلام) کمتر مورد توجه قرار گرفته و بهتر است ابتدا درباره‌ی مفاهیم کار شود و سپس به آیات شریف، استناد گردد. از نظر آنان برای تنظیم برنامه‌ی زندگی، لازم است عوامل بحران‌زا در جهان معاصر، ذکر شوند. برای شکوفایی تمدن اسلامی نیز زمینه‌ی عملی چندان مناسبی را مشاهده نمی‌کنند و می‌گویند: "بیشتر مباحث، نظری‌اند و برای ابتلاهای امروز جوانان نیز شیوه‌ی عملی مطرح نشده است". یافته‌ها نشان می‌دهند که صاحب‌نظران معتقدند اصل "استفاده از شیوه‌های بیدارگری وجدان و نفس لوامه" باید در درس توبه (بازگشت) متجلی می‌شد، اما این معنا دیده نمی‌شود. اظهار نظرها از سوی دبیران حاکی است که متن کتاب درباره‌ی تعبد، چندان موفق نیست و مطلب قابل توجهی ندارد. هم‌چنین عقیده بر این است که مسئله‌ی قضا و قدر و نقش اختیار آدمی در ساختن سرنوشت و نقش عوامل معنوی در تغییر مسیر زندگی، به‌خوبی مطرح نشده است و نیاز به بازنگری دارد. از سوی دیگر صاحب‌نظران بیان می‌دارند که در بحث تمدن اسلامی، طلب و تشنگی مورد نظر به‌عنوان یکی از اصول، حفظ نشده و در دانش‌آموز، انگیزه‌ای برای حفظ و صیانت فرهنگ اسلامی به‌وجود نیامده تا با زمینه‌های خلاقیت تکمیل گردد. در راستای ترسیم سیمای زیبای دین، حد اعتدال بین توجه به دین و خدا و استفاده از دنیا، در پس‌پرده‌ی ابهام است و فرد به‌طور کاربردی نمی‌داند چگونه زندگی کند تا هم دیندار باشد و هم از دین بهره‌بردار. طبق دیدگاه‌های دبیران، جای درس یا

تأثیر بسیار به سزایی در تقویت اندیشه‌های دینی دانش-آموزان دارد و می‌توان داستان زندگی برخی از عالمان دین را نیز در قالب داستان ارائه کرد. به‌زعم این گروه، کتاب، چهره‌ی مسیحیت را مخصوصاً در دوره‌ی قرون وسطی، بسیار خدشه‌دار نموده است. از سوی دیگر، صاحب‌نظران بر این اعتقادند که کتاب، بیشتر به نیازهای فطری و کمتر به نیازهای روز دانش‌آموزان توجه دارد. در همین خصوص، دبیران اظهار داشته‌اند که استفاده از علم روز، به‌خصوص روان‌شناسی رشد و موضوعی که نیازمند استفاده از فناوری‌های جدید باشد نیز در محتوای کتاب به چشم نمی‌خورد.

مبحثی که به اهم فضائل اخلاقی به زبانی رسا و روان پردازد، خالی به نظر می‌رسد. صاحب‌نظران بیان و توجیه مطالبی را درباره‌ی خصوصیات یک جامعه‌ی اسلامی واقعی در بخش فرهنگ و تمدن اسلامی، ضروری دانسته‌اند، چرا که جامعه‌ی امروزی، همه‌ی این شرایط را ندارد و این نقص، ناشی از اسلام نیست، بلکه ناشی از بدمسلمانی ماست. پس هرچه بر وضع تمدن اسلامی و خدمات اسلام به جهان بیشتر تأکید شود، حفظ هویت اسلامی بهتر صورت خواهد پذیرفت. از دیدگاه دبیران، طرح اندیشه‌های امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) در مباحث کتاب به‌عنوان یک اندیشمند ارزشمند اسلامی،

جدول ۲. خلاصه‌ی یافته‌های سؤال دوم

مؤلفه اصلی	محورها یا مقوله‌های مورد بررسی	حضور در کتاب
اصول	حضور در دنیای امروز، برقراری ارتباط بین برنامه‌ی نظری و عملی محتوا، شیوه‌های بیدارگری وجدان، شبهه‌زدایی و پاسخ به شبهات، برنامه‌ی جامع فردی و اجتماعی، بازیابی و حفظ هویت اسلامی در فضای نامناسب تمدن جدید، اعتقاد به غیب، حفظ وحدت اسلامی، توجه به اهداف ویژه‌ی دختران و پسران، توجه به شرایط و نیازهای زمانی، تقویت مهارت‌های تفکر و تحقیق و مشورت و استدلال، حضور اندیشه‌های امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه)	تأیید
	توجه به سنت و سیره‌ی معصومین (علیهم‌السلام)، روحیه‌ی تعبد، ایجاد طلب و تشنگی، ترسیم سیمای زیبای دین، چهره‌ی مسیحیت، علم روز	انتقاد

همراه دین در تمدن جدید، اعتقاد بر این است که اهداف یاد شده به بهترین شکل ممکن دنبال شده‌اند در حد نیاز، از سنت و سیره‌ی اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) نیز استفاده شده است. دبیران، ارائه‌ی وظایف و مسئولیت‌های اجتماعی در بعد توحید و تمدن جدید را در کتاب، مثبت ارزیابی کرده‌اند و صاحب‌نظران اظهار می‌دارند که جوان از طریق خود ارزیابی‌ها تا حدودی به برنامه‌های خودش، خدا، جامعه و طبیعت ترغیب خواهد شد. به اعتقاد برخی دیگر از این گروه، مبانی حکومتی امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) و حکومت اسلامی در عصر غیبت کامل نیست و مورد بررسی قرار نگرفته است. به‌علاوه، از دیدگاه دبیران، جای چگونگی استفاده از منابع قرآنی، به‌خصوص تفاسیر و آشنایی با کتب معتبر، خالی به‌نظر می‌آید. این مبحث

۳- تاچه حد محتوای کتاب درسی معارف اسلامی با اهداف کلی دوره‌ی متوسطه و پیش‌دانشگاهی، مندرج در راهنمای برنامه‌ی درسی مربوط، تناسب دارد؟^۱

با استناد به برخی از اظهارنظرهای منابع اطلاعاتی، به اهداف حیطة‌ی شناختی، بیشتر پرداخته شده و لازم است اهداف حیطة‌ی عملی بیشتر مورد توجه قرار گیرند. با توجه به دو قسمت مبحث توحید و عدالت به

۱. از آنجا که در راهنمای برنامه‌ی درسی مربوط، این اهداف به‌طور مشترک برای هر دو دوره تدوین شده‌اند، لذا در اهداف و سؤال‌های پژوهش نیز این موضوع مد نظر قرار گرفته است، اما منابع اطلاعاتی، نظرات خود را با تأکید بر محتوای کتاب دوره‌ی پیش‌دانشگاهی ارائه کرده‌اند.

بیان نشده است. گروهی از دبیران، معرفی شاخص‌های جامعه‌ی اسلامی را نیازمند تجدیدنظر ذکر کرده‌اند و صاحب‌نظران هم، نقش دین در پاسخ‌گویی به دنیای امروز را کامل نشده می‌دانند و معتقدند که مؤلفه‌های تأثیرگذار بر جوان امروز مانند شیطان و قدرت‌های بزرگ، ظواهر دنیا، فریب و ... مطرح نشده‌اند. از سوی دیگر، دیدگاه‌های دبیران نشان می‌دهند که تکلیف دین با علم و تکنولوژی امروز، مشخص نیست و گاه حتی در تعارض با آن، قلمداد شده و از آنجا که پیوستگی میان دین و ابعاد زندگی انسان، از اهمیت خاصی برخوردار است، طرح این مبحث در کتاب نیز ضروری به‌نظر می‌رسد.

می‌توانست در کنار طرح تمدن اسلامی و جهان امروز؛ جهانی‌سازی و ارتباط آن با مهدویت نیز مطرح شود. در پاسخ به موضوع سنت و سیره‌ی ائمه (علیهم‌السلام) نیز گفته شده که از سنت استفاده شده اما از سیره‌ی عملی معصومین (علیهم‌السلام) کمتر سخن به میان آمده است. صاحب‌نظران هم اظهار داشته‌اند که منزلت انسان در اسلام و جایگاه و اهداف وی تا حدودی مطرح شده، اما کامل نیست و خصوصیات یک انسان مؤمن واقعی یا زاهد حقیقی مورد اشاره قرار نگرفته و حقوق زن و مرد و روابط آن‌ها در جامعه، مسئولیت‌های جوان در جامعه‌ی اسلامی و احساس تعهد نسبت به جامعه و تنظیم برنامه‌ی زندگی مطابق با معیارهای اسلامی نیز

جدول ۳. خلاصه‌ی یافته‌های سؤال سوم

مؤلفه اصلی	محورها یا مقوله‌های مورد بررسی	حضور در کتاب
اهداف کلی	اهداف حیثه‌ی شناختی، سنت و سیره‌ی اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام)، ارائه‌ی وظایف و مسئولیت‌های اجتماعی در بعد توحید و تمدن جدید	تأیید
	اهداف حیثه‌ی عملی، مبانی حکومت اسلامی در عصر غیبت، چگونگی استفاده از منابع قرآنی، سیره‌ی عملی معصومین (علیهم‌السلام)، منزلت انسان در اسلام، حقوق و روابط زن و مرد در جامعه، مسئولیت‌های جوان در جامعه‌ی اسلامی، احساس تعهد جوان نسبت به جامعه و تنظیم برنامه‌ی زندگی مطابق با معیارهای اسلامی، معرفی شاخص‌های جامعه‌ی اسلامی، نقش دین در پاسخ‌گویی به دنیای امروز، مؤلفه‌های تأثیرگذار بر جوان امروز مانند شیطان و قدرت‌های بزرگ و ظواهر دنیا و فریب، تکلیف دین با علم و تکنولوژی امروز، پیوستگی میان دین و ابعاد زندگی انسان	انتقاد

تصریح می‌دارند که نقش دین در دنیای جدید به‌طور شایسته، تجزیه و تحلیل شده و به مبحث قضا و قدر نیز به‌خوبی پرداخته شده است. در مقابل، برخی از دیدگاه‌ها، مباحث مطرح شده را در بازنگری و اصلاح، نیازمند مذاقه و تعمق بیشتری می‌دانند. دبیران خواسته‌اند که توضیح در خصوص مسئله‌ی برهان وجوب و امکان، به‌طور قابل فهم‌تری مطرح شود. از نظر آن‌ها، آشنایی با جایگاه عالم غیب، امدادهای غیبی، شهادت و عدل الهی نیاز به توجه بیشتری دارد. ایشان هم‌چنین، ارتباط دین با علم و عقل و ایمان را کم‌رنگ ارزیابی کرده‌اند. در بخش دیگری، اظهارات صاحب‌نظران حاکی از آن است که ارائه‌ی

۴- تا چه حد محتوای کتاب درسی معارف اسلامی با اهداف ویژه‌ی دوره‌ی پیش‌دانشگاهی، مندرج در راهنمای برنامه‌ی درسی مربوط، تناسب دارد؟
با توجه به اطلاعات دریافت‌شده، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که برخی از نظرات، همخوانی محتوا و اهداف ویژه را تأیید و برخی دیگر نیز به ضعف این تناسب، اشاره کرده‌اند. به‌زعم صاحب‌نظران، بحث خدا به‌خوبی طرح شده و به هماهنگی میان دین با مقتضیات زمان نیز به‌خوبی پرداخته شده است. منابع اطلاعاتی با اعتقاد به این که قدرت نقادی منصفانه، خصوصاً در بخش دوم کتاب برای دانش‌آموز فراهم شده است،

این که چرا واجد این منصب است، سخنی گفته نشده و معتقدند که بحث مسئولیت پذیری انسان به واسطه‌ی تعهد دینی وی، ناقص می‌باشد. هم‌چنین به‌گفته‌ی دبیران، در خصوص ویژگی‌های مثبت جامعه‌ی غربی مخصوصاً رعایت حق مردم، توجه کمتری را در کتاب مشاهده کرده‌اند و در ادامه چنین بیان داشته‌اند: "رفع این شبهه که دین، پاسخ‌گوی نیازهای امروز نیست؛ بسیار مهم است."

شیوه‌های تدبیر در آیات قرآن بسیار ناقص‌اند و بهتر است با استفاده از تمثیل‌ها و حکمت‌های قرآن کریم، مبانی و اصول اعتقادی نظیر توحید نظری و عملی، برای دانش‌آموزان، تفهیم گردد. از آنجا که محتوای کتاب، بر برنامه‌ریزی در زندگی تأکید می‌ورزد، اما نظرات دبیران نشان می‌دهند که سنت و سیره‌ی عملی معصومین (علیهم‌السلام) به‌عنوان راهنمای عملی برای مخاطبان، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. به‌زعم صاحب‌نظران، در خصوص مقام خلیفه‌الهی انسان و

جدول ۴. خلاصه‌ی یافته‌های سؤال چهارم

مؤلفه اصلی	محورها یا مقوله‌های مورد بررسی	حضور در کتاب
اهداف ویژه	بحث خدا، هماهنگی میان دین با مقتضیات زمان، قدرت نقادی منصفانه، نقش دین در دنیای جدید، مبحث قضا و قدر	تأیید
	مسئله‌ی برهان وجوب و امکان، جایگاه عالم غیب و امدادهای غیبی، شهادت و عدل الهی، ارتباط دین با علم و عقل و ایمان، شیوه‌های تدبیر در آیات قرآن، سنت و سیره‌ی عملی معصومین (علیهم‌السلام)، مقام خلیفه‌الهی انسان، مسئولیت‌پذیری انسان به واسطه‌ی تعهد دینی وی، پاسخ‌گویی دین به نیازهای امروز	انتقاد

بر نگرش الهی که هم عقلانی و هم معنوی باشد می‌تواند در تصحیح نگرش خواننده درباره‌ی عالم، ایجاد روشن-بینی، جلوگیری از پوچ‌انگاری و بدبینی به هستی، مؤثر باشد. به‌زعم این گروه از پاسخ‌دهندگان، از دانشمندان بزرگ و معاصر و زنده، سخنی به میان نیامده و قهرمانان و الگوها، عمدتاً اساطیری و دور از دسترس هستند. ایشان هم‌چنین بر ارائه‌ی مطلبی از شخصیت و منش هدایتگر بزرگ پیامبران، رسول گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، تأکید ورزیده‌اند و معتقدند که به سیره‌ی عملی و کاربردی معصومین (علیهم‌السلام) در مسائل مبتلابه جوانان در این سن، چندان توجهی نشده است. صاحب‌نظران اظهار داشته‌اند که عدم غفلت از معنویت، مطرح شده اما چگونه زیستن همراه با معنویت و بهره‌گیری از دنیا، آموزش داده نشده است. به‌علاوه از نظر آنان، نقش جوان در حفظ هویت اسلامی مطرح نشده و اگرچه در ارتباط با خدا مطالب ذکر شده را قابل قبول

۵- تاچه حد محتوای کتاب درسی معارف اسلامی با مفاهیم جزئی دوره‌ی پیش‌دانشگاهی، مندرج در راهنمای برنامه‌ی درسی مربوط، تناسب دارد؟
به‌باور دبیران، مطالب به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که مخاطب با مطالعه و آموزش دروس می‌تواند حوزه‌های سه‌گانه‌ی آموزش را در حیطه‌ی شناختی، عاطفی و روانی - حرکتی، طی کند. به‌علاوه، منابع اطلاعاتی، ضمن بیان این که در کتاب به جایگاه انسان در نظام هستی به‌عنوان یک انسان مسئول در مقابل امانت الهی، خوب پرداخته شده، تصریح داشته‌اند که در خصوص تشخیص راه‌های صحیح و غلط در زندگی، به دانش‌آموز یک شناخت نسبی ارائه می‌دهد. به اعتقاد دبیران، جایگاه تجلی عدل در زندگی انسان به‌عنوان توجیه اجتماعی، کمرنگ می‌باشد و لازم است در مقام استدلال برای وجود خدا؛ شئونات و جوانب استدلال، طبق معیارهای منطقی، طرح شوند. ایشان اظهار داشته‌اند که ارائه‌ی تصویری جامع از نظام خلقت مبتنی

می‌دانند، اما مباحث مربوط به خود و جامعه را بسیار ضعیف ارزیابی کرده‌اند.

جدول ۵. خلاصه‌ی یافته‌های سؤال پنجم

مؤلفه اصلی	محورها یا مقوله‌های مورد بررسی	حضور در کتاب
مفاهیم جزئی	جایگاه انسان در نظام هستی به‌عنوان یک انسان مسئول در قبال امانت الهی، تشخیص راه‌های صحیح و غلط در زندگی، عدم غفلت از معنویت، ارتباط با خدا	تأیید
	جایگاه تجلی عدل در زندگی انسان به‌عنوان توجیه اجتماعی، تصویری جامع از نظام خلقت مبتنی بر نگرش الهی، دانشمندان بزرگ و معاصر و زنده، شخصیت و منش رسول گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، سیره‌ی عملی و کاربردی معصومین (علیهم‌السلام) در مسائل مبتلابه جوانان، چگونه‌زیستن همراه با معنویت و بهره‌گیری از دنیا، نقش جوان در حفظ هویت اسلامی، مباحث مربوط به خود و جامعه	انتقاد

خورد و بیشتر، از روش‌ها و سنت‌های ائمه‌ی اطهار (علیهم‌السلام) در جنبه‌های اجتماعی، مطلب بیان شده که کافی نیست. به‌زعم صاحب‌نظران، به شبهات علمی در خصوص جبرگرایی اصلاً اشاره‌ای نشده و برای توحید صفاتی و اشکالات وارد بر آن نیز پاسخی مشاهده نمی‌شود. دیدگاه‌های دبیران نشان می‌دهند که تنها رسانه‌ی غیر کتابی که به دست دبیران می‌رسد (آن‌هم با تأخیر)، نوار صوتی - آموزشی قرآن است. بنابر این توسعه‌ی امکانات رسانه‌ای، اقتضا می‌کند برای آموزش بهتر، همزمان با انتشار کتاب، از نرم‌افزارهای مناسب، بهره برده شود. یکی دیگر از اصول مورد نظر، ارتباط میان مباحث نظری و اخلاقی است که پاسخ‌دهندگان معتقدند ایجاد شده، اما ارتباط آن با احکام عملی، ضعیف است. در این خصوص، صاحب‌نظران بیان می‌دارند که لازم بود در زمینه‌ی نفس اماره و لوازم، هواهای نفسانی، نفوذ شیطان و توبه از گناهان نیز مطالبی ذکر می‌شد. از نظر دبیران، محتوای کتاب با اهداف مصوب، فاصله‌ی زیادی دارد. هم‌چنین ساعات در نظر گرفته‌شده برای ارائه‌ی این حجم را مناسب ندانسته‌اند. آنان بنا به ضرورت زمان، بعضی از احکام را قابل طرح دانسته‌اند، اما آن‌ها را در کتاب، مشاهده نکرده‌اند. به‌علاوه، صاحب‌نظران چنین بیان داشته‌اند: "لازم است تاحدودی درباره‌ی معاشرت دختر و پسر، و حفظ حجاب دختران

۶- تاچه حد محتوای کتاب درسی معارف اسلامی با اصول انتخاب و سازماندهی محتوا، مندرج در راهنمای برنامه‌ی درسی مربوط، تناسب دارد؟ در مقام تأیید، صاحب‌نظران چنین معتقدند که در بافت کتاب، از تعالیم معصومین (علیهم‌السلام) به‌خوبی بهره گرفته شده است. به‌اعتقاد ایشان، با توجه به فرصت‌های تفکری که به دانش‌آموزان در حین تدریس داده می‌شود، کلاس از حالت سخنرانی خارج می‌گردد. آنان با بیان این که محتوا، متناسب با علاقه و توانمندی دانش‌آموزان است، دبیران نیز چنین تأکید کرده‌اند: "یکنواختی‌ای که حاصلش ایجاد خستگی در خواننده باشد، مشاهده نمی‌کنیم". اما در مقابل، برخی از نظرات دیگر حاکی است که قرآن به‌عنوان اثبات موضوع دروس به‌کار گرفته‌شده، یعنی خود آیات به‌عنوان محور، قرار نگرفته‌اند. پاسخ‌دهندگان در این گروه، غالب ساختن رویکرد تفکر و تدبیر را نیازمند تمهیدات، لوازم و تدابیر آموزشی مناسب دانسته‌اند و معتقدند: "اگر پیام آیات به‌صورت پرسشی مطرح شوند، به هدف نزدیک‌تر خواهیم شد". در اهمیت قرائت قرآن، با وجود آن که شروع آموزش قرائت را، از دوره‌ی ابتدایی ذکر کرده‌اند، اما برخی از دیدگاه‌ها حاکی از ضعف بسیار در دوره‌ی متوسطه است. ایشان، تصریح نموده‌اند که تعالیم مربوط به حوزه‌ی فردی، کمتر به‌چشم می-

به شکل احکامی، مباحثی ذکر شود". دبیران نیز آوردن بحث‌هایی از قبیل موسیقی و برخی از مسائل روز در

جدول ۶. خلاصه‌ی یافته‌های سؤال ششم

مؤلفه اصلی	محورها یا مقوله‌های مورد بررسی	حضور در کتاب
اصول انتخاب و سازماندهی محتوا	تعالیم معصومین (علیهم‌السلام)، توجه به فرصت‌های تفکر، تناسب محتوا با علاقه و توانمندی دانش‌آموزان، روش‌ها و سنت‌های ائمه‌ی اطهار (علیهم‌السلام) در جنبه‌های اجتماعی	تأیید
	محوریت قرآن، رویکرد تفکر و تدبر، اهمیت قرائت قرآن، تعالیم مربوط به حوزه‌ی فردی، شبهات علمی در خصوص جبرگرایی، توحید صفاتی، ارتباط میان مباحث نظری و اخلاقی، نفس اماره و لوازم، اهداف مصوب، ساعات تدریس، احکام مربوط به معاشرت دختر و پسر و حجاب، موسیقی و برخی از مسائل روز	انتقاد

آن‌که امید به آینده‌ای زیبا؛ محرک بسیار خوبی برای انسان است، پر کاربرد ذکر کرده‌اند، اما در مقابل، موارد استفاده از روش تدریس از جنبه‌ی انذار را به دلیل آن‌که خداوند می‌خواهد بیشتر به او امیدوار باشیم، کمتر دانسته‌اند. به‌باور دبیران، بخشی از آموزش‌های زندگی، لاجرم باید از راه آموزش مستقیم صورت گیرند که به این نکته توجه شده، اما جای ادبیات گفتاری و نوشتاری شهید مطهری، خالی به نظر می‌رسد. ایشان، استفاده از روش کنفرانس دانش‌آموزی را برای تقویت حس اعتماد به نفس و رفع دلهره و اضطراب مناسب ارزیابی نموده‌اند و بیان داشته‌اند که اصولاً یکی از ویژگی‌های کتاب‌های جدید دین و زندگی، تقویت امکان مناظره است. گروهی دیگر، اظهار داشته‌اند که ناکارآمدی روش سخنرانی‌های رایج، بیشتر به دلیل عدم رعایت اصول و آداب خطابه توسط خطیب و سخنران است. سخنرانان توانا، بیشترین تأثیر را در مخاطبان داشته‌اند. لذا ضروری است دبیران دینی، مشخصاً آداب و شیوه‌های سخنرانی را بیاموزند تا در مواقع لزوم از این شیوه در آموزش معارف دینی بهره ببرند. به‌علاوه؛ تمرین سخنرانی، توجه به سخنرانی و خطابه‌ی خطیبان موفق مانند آقای فلسفی (رحمة‌الله‌علیه) یا دکتر شریعتی (رحمة‌الله‌علیه) را آموزنده ذکر کرده‌اند. صاحب‌نظران بر این اعتقادند که در رابطه با احکام مطلبی نیافته‌اند و چنین تصریح نموده‌اند: "باید برای

۷- تاچه حد روش‌های تعلیمی و تربیتی پیش‌بینی شده در راهنمای برنامه‌ی درسی مربوط، با محتوای کتاب درسی معارف اسلامی، تناسب دارند؟

با استناد به نظرات منابع مختلف اطلاعاتی، در مجموع، برخی از روش‌های تدریس نسبت به سایر روش‌ها، از جایگاه خاصی برخوردارند و می‌توانند امر یاددهی و یادگیری را تسهیل بخشند. به‌زعم گروه‌های پاسخ‌دهنده، روش‌های فعال در تدریس، بسیار تأثیرگذارند. آنان، نقش معلم را در ارائه‌ی صحیح و مطلوب این روش‌ها، کلیدی و با اهمیت ذکر کرده و آموزش‌های ضمن خدمت را بسیار ضروری قلمداد نموده‌اند. به‌زعم صاحب‌نظران، تقریباً همه‌ی درس‌ها با روش مشارکتی و همیاری می‌توانند اجرا شوند، در حالی که دبیران معتقدند استفاده از این روش، به هنر معلم و تسلط بر شیوه‌های تدریس او بستگی دارد که از کدام‌یک از روش‌ها در کدام درس استفاده کند. به‌گفته‌ی آنان، در برخی از موارد می‌توان فرصتی ایجاد کرد تا دانش‌آموز با خود، تفکر و تأملی داشته باشد. اگرچه کتاب، این شرایط را به‌طور محدود فراهم نموده، اما توانمندی معلم در برانگیختن دانش‌آموز به تأمل؛ مهم‌ترین شرط تحقق این روش است. صاحب‌نظران، روش تدریس از طریق تبشیر را به‌دلیل

روش‌های فعال، چاره‌اندیشی کنیم تا در مدارس، مورد توجه و حمایت قرار گیرند. نگوییم که نشنیده‌ایم! روش‌های فعال در برخی از مدارس حتی از سوی مدیران مدرسه مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند و گاه مورد هجوم واقع می‌شوند!"

جدول ۷. خلاصه‌ی یافته‌های سؤال هفتم

مؤلفه	محورها یا مقوله‌های مورد بررسی	حضور در کتاب
روش‌های تعلیمی و تربیتی	مشارکتی و همیاری، فرصت تفکر و تأمل، تبشیر و انذار، آموزش مستقیم، روش کنفرانس، مناظره	تأیید
	رعایت آداب سخنرانی	انتقاد

دانش‌آموز نیز می‌گردند. از سویی صاحب‌نظران بیان می‌کنند که ارکان و اجزاء ارزشیابی با نگرش واحدی اجرا نمی‌شوند و همین امر، ضرر بزرگی بر امر تألیف وارد می‌کند و دبیران نیز همگام با ایشان، ارائه‌ی شیوه خاصی از ارزشیابی را در مباحث کتاب، نامشهود ذکر کرده‌اند. به اعتقاد آنان، به دلیل اهمیت ارزشیابی کمی در نظام آموزش فعلی، آن‌هم در بعد شناختی و وجود سایه‌ی سنگین آزمون ورودی دانشگاه‌ها، با شرایط موجود حتی تغییر کتاب با شیوه و اسلوب کنونی نیز نمی‌تواند برآورنده‌ی همه‌ی اهداف اعم از شناختی، گرایشی و مهارتی باشد. این گروه از پاسخ‌دهندگان معتقدند که معلم دینی به‌عنوان یک عامل بیرونی از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار است که گاهی احساس می‌شود تغییر روش و تغییر نگرش دبیران، مهم‌تر از تغییر کتاب و مطالب آن است. ایشان معتقدند که ارزشیابی از عامل درونی، فقط به معلم و کتاب منحصر نمی‌شود. عواملی مانند مسائل سیاسی و اجتماعی در سطح مدیریت کلان و رسانه‌ها نیز مؤثرند. از نظر آنان، نبود یک سیستم نظارتی درست و تخصصی بر کار معلمان، سبب شده که معلمان بنابر سلیقه‌ی شخصی، میزان توانمندی متفاوت و میزان تعهد یا عدم تعهد خود، به تدریس پردازند. به علاوه، اظهار داشته‌اند که ارزشیابی از فعالیت‌های مشخص و اجتماعی - دینی نباید موضوع ارزشیابی از دانش‌آموزان قرار بگیرد بلکه هدف، ایجاد تحول و انقلاب یا تغییر مسیر دادن باشد. در نتیجه، نوع ارزشیابی دانش‌آموزان در درس دینی و قرآن نیازمند

تاچه حد مؤلفه‌های ارزشیابی پیشرفت تحصیلی، مندرج در راهنمای برنامه‌ی درسی مربوط با محتوای برنامه‌ی درسی مربوط تناسب دارند؟

از آنجا که امر آموزش و ارزشیابی از آموخته‌های دانش‌آموزان با یکدیگر ارتباط مستقیم دارند، لذا در این بخش، معلم به‌عنوان یک عنصر مهم به‌شمار می‌آید. اطلاعات دریافت‌شده از سوی صاحب‌نظران حاکی است که نظارت بر فعالیت‌های معلم در حوزه‌ی طراحی سؤالات امتحانی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و اظهار می‌دارند که شرکت در مراسم مذهبی و تقیید به مسائل دینی و نمازهای جماعت می‌تواند ملاک خوبی در تأثیرگذاری این درس بر روحیه‌ی دانش‌آموزان باشد هم‌چنین بسیاری از منابع اطلاعاتی در هر دو گروه بر این باورند که آموزش‌های ضمن خدمت، اقدامات آموزشی معلمان و توانمندی حرفه‌ای آنان را در حیطه‌ی تدریس و ارزشیابی، به‌طور قابل توجهی افزایش می‌دهند. به‌گفته‌ی دبیران، در این کتاب، امکانات زیاد و دست و پاگیر، مشاهده نمی‌شود و می‌توان کار خوبی در خصوص ارزشیابی انجام داد. ایشان بر این باورند که اگر با توجه به امکانات موجود، معلم بتواند شناخت صحیح و باور قلبی را تقویت نماید، خودبه‌خود، شناخت و باور دانش‌آموز منجر به اصلاح عمل خواهد شد. پاسخ‌دهندگان تأکید کرده‌اند که درس‌ها به‌گونه‌ای تدوین شده‌اند که باعث خودارزیابی

کتاب‌های درسی، درست و صحیح تدوین، و درست و صحیح هم آموزش داده شوند، دانش‌آموز بعد از اتمام سال تحصیلی احساس می‌کند واقعاً در سرنوشت و زندگی او تأثیر به‌سزایی داشته است.

بازنگری است. این گروه از پاسخ‌دهندگان ضمن بیان این‌که ارزشیابی مستمر در مدارس، جایگاه خود را از دست داده و اصولاً در کلاس به‌طور اصولی انجام نمی‌گیرد، اظهار داشته‌اند که متأسفانه برخورد معلمان با این نوع ارزشیابی، متفاوت است. به‌باور آنان، اگر

جدول ۸. خلاصه‌ی یافته‌های سؤال هشتم

مؤلفه اصلی	محورها یا مقوله‌های مورد بررسی	حضور در کتاب
ارزشیابی پیشرفت تحصیلی	نظارت بر فعالیت‌های معلم، عدم موانع دست و پاگیر، خود ارزشیابی دانش‌آموز	تأیید
	فقدان نگرش واحد در اجرای ارکان و اجزاء ارزشیابی، تحقق اهداف شناختی و گرایشی و مهارتی به دلیل اهمیت ارزشیابی کمی در بعد شناختی و آزمون ورودی دانشگاه‌ها، توجه به اجرای شیوه خاصی از ارزشیابی به دلیل خاص بودن موضوع، نبود یک سیستم نظارتی صحیح و تخصصی، ارزشیابی مستمر	انتقاد

اجتماعی افراد، مطالب مؤثری بیان شده، اما در بعد مسئولیت فردی، نیاز بیشتری به تأمل دیده می‌شود. در عین حال از دیدگاه صاحب‌نظران، ایجاد حس مسئولیت بسیار لازم است، اما فقط به کتاب وابسته نیست، به مجموعه فضای آموزشی نظیر دبیر و برنامه‌های دیگر بستگی دارد. طبق اظهار نظرهای دبیران، در صورت پیگیری و تمایل دانش‌آموزان؛ مطالب کتاب؛ قابلیت تفکر، تجزیه و تحلیل، و داوری درباره‌ی مسائل را به آنان آموزش داده و آنان را در این مسیر قرار خواهد داد. دیدگاه‌های ایشان هم‌چنین نشان می‌دهند که کتاب از قالب حفظی به استدلالی روی آورده و بسیار جالب است، اما برای این کار، نیازمند فعالیت‌های قوی در کلاس و خارج از کلاس می‌باشد. به‌باور این گروه پاسخ‌دهنده، بخش اول کتاب در بعد اعتقادی و بخش دوم کتاب در بعد اجتماعی، با زندگی دانش‌آموزان ارتباط دارد و شاید بتوان گفت که بخشی از نیازها و مسائل دینی و مذهبی دانش‌آموزان پاسخ داده شده‌اند و بخشی دیگر بدون پاسخ مانده‌اند، اما از آنجا که قدرت انتزاعی در این شرایط سنی شکل می‌یابد، بنابر این با رشد سنی آنان نیز متناسب است - که البته در بعضی از موارد، ارائه مباحث در مقایسه با سن آن‌ها، ساده‌تر و ضعیف‌تر ارزشیابی می‌شود. صاحب‌نظران، برخی از

۹- تاچه حد محتوای کتاب درسی معارف اسلامی، با موقعیت‌ها و نیازهای زندگی فراگیران، تناسب دارد؟

بدیهی است تأمین نیازهای دانش‌آموزان در هر دوره‌ی تحصیلی از حیث شناختی، نگرشی و مهارتی، به‌عده‌ی آن‌دسته از متخصصانی خواهد بود که زمینه‌های آن را فراهم می‌کنند. لذا مؤلفان کتاب‌های درسی در حوزه‌ی فعالیت‌های خود، عهده‌دار این مهم می‌باشند. برنامه‌ی درسی تعلیم و تربیت دینی به‌منظور پاسخ‌گویی به شبهات و نیازهای دینی دانش‌آموزان، محورهایی را مدنظر قرار داده که از طریق محتوای کتاب درسی مربوط، قابل پیگیری است. منابع اطلاعاتی، تناسب محتوا را با برخی از این محورها، تأیید و برخی دیگر را قابل بازنگری دانسته‌اند. به‌زعم دبیران، در هر دو بخش کتاب، مطالب به‌گونه‌ای است که دانش‌آموز با خواندن آن‌ها، در اعمال و رفتار فردی و اجتماعی خود، قطعاً تجدید نظر خواهد نمود. دانش‌آموز با تصویری که از تمدن‌ها در ذهن مجسم می‌سازد، یقیناً در دلش این آرزو را خواهد داشت که در جهان مملو از ظلم و ستم و فحشا و منکرات، تمدنی متعالی با ارزش‌های عالی انسانی و الهی ارائه نماید. به‌اعتقاد پاسخ‌دهندگان، در بعد مسئولیت

با زندگی روزمره‌ی دانش‌آموزان مرتبط است، اما اگر نمونه‌ها و الگوهایی از علماء و شخصیت‌های برجسته‌ی معاصر ذکر گردد، کاربردی‌تر خواهد بود. ایشان معتقدند: "مسائل اعتقادی دانش‌آموزان تا حدودی پاسخ داده می‌شود، ولی شبهات اصلی در این خصوص، نه مطرح شده و نه پاسخ داده شده‌اند. در همین راستا، دبیران بیان می‌دارند که بهتر است بخشی از کتاب، به احکام مورد نیاز دختران و پسران اختصاص یابد. حتی می‌توان احکام مربوط به «نگاه» را درج نمود".

مضامین انتقادی را به‌منظور تجدیدنظر و اصلاح محتوای کتاب نیز ذکر کرده‌اند و ضمن بیان این نکته که صرفاً از محتوای کتاب نباید انتظار تأمین نیازهای دانش‌آموزان را داشت، تأکید نموده‌اند که معلم و مدرسه و جامعه نیز باید در ایجاد حس مسئولیت دینی فردی و اجتماعی، تلاش نمایند. به‌زعم آنان، سؤالاتی که در متن درس پرسیده می‌شوند، قدرت استدلال دانش‌آموزان را بیشتر می‌کنند. لذا این سؤالات می‌توانند کلیدی‌تر مطرح شوند. طبق نظر آنان، محتوای دروس

جدول ۹. خلاصه‌ی یافته‌های سؤال نهم

مؤلفه اصلی	محورها یا مقوله‌های مورد بررسی	حضور در کتاب
موقعیت‌ها و نیازهای زندگی فراگیران	تجدیدنظر در اعمال و رفتار فردی و اجتماعی، مسئولیت اجتماعی افراد، قابلیت تفکر و تجزیه و تحلیل و داوری درباره‌ی مسائل، استدلالی بودن مباحث، توجه به بعد اعتقادی و اجتماعی، تناسب با رشد سنی، افزایش قدرت استدلال، تناسب با زندگی روزمره، پاسخ به مسائل اعتقادی	تأیید
	توجه به بعد مسئولیت فردی، پاسخ به شبهات اصلی، توجه به احکام دختران و پسران	انتقاد

پیدایش معارف اسلام از سوی خدا و سپس پیامبر و ائمه‌ی اطهار (علیهم‌السلام) به‌عنوان نکته‌ی مثبت کتاب ذکر کرده‌اند. به‌علاوه اظهار داشته‌اند که فعالیت‌محوری کتاب با لحاظ کردن بخش‌های "برای مطالعه"، اشتیاق لازم را در دانش‌آموزان ایجاد خواهد کرد، به‌شرط آن که در ایجاد این شور و اشتیاق، از تطبیق امور زندگی و آموخته‌ها، استفاده گردد. در این خصوص، آنان بر نقش دبیر، تأکید بسیاری نموده‌اند. طبق گفته‌ی برخی دیگر از صاحب‌نظران، نوشتن مقدمه‌ای درباره‌ی جهان‌بینی ضروری است و اگر تصاویری از زیبایی‌های طبیعت یا عبادت اولیاء خدا در لابه‌لای صفحات کتاب گنجانده شود و کادرها نیز پررنگ‌تر و نوشته‌های آن با خطی متفاوت‌تر ارائه گردند، جذاب‌تر خواهد بود. به‌باور ایشان، محتوای کتاب سعی کرده علاقه و انگیزه‌ی یادگیری امور دینی را، در دانش‌آموزان ایجاد کند؛ با این وجود باید دید در عمل و به‌یاری معلم تاچه حد تحقق می‌یابد. در خصوص میزان زمان آموزش، از سوی دبیران

۱۰- تاچه حد محتوای کتاب درسی معارف اسلامی، دارای جنبه‌های مثبت و نارسایی‌های احتمالی می‌باشد؟
با استناد به اطلاعات گردآوری‌شده، صاحب‌نظران اظهار داشته‌اند: "خوشبختانه از پیچیده‌گویی‌ای که در برخی از کتاب‌های قبلی به‌چشم می‌خورد، خبری نیست. نثر مؤلف محترم، اگرچه فلسفی‌گونه است، اما تا اندازه‌ای زیبا و روان است. فلذا این، پایان کار نیست و به‌نظر ما، طلوع خوبی محسوب می‌شود". آنان ضمن طرح این نکته که در رویکرد نوین کوشش می‌شود تا مخاطب را فعال کرد و از موضوع‌محوری و معلم‌محوری بیرون آمد، بیان نموده‌اند که فعالیت‌هایی در متن کتاب برای همین منظور، تدارک دیده شده‌اند. هم‌چنین اطلاعات رسیده از این‌گروه پاسخ‌دهنده حاکی از آن است که بحث‌های ارائه‌شده در کتاب، به‌روز بوده و قابل ارائه می‌باشند. دبیران، تلفیق مفاهیم قرآنی و معارف اسلامی را گویای اصالت قرآن و منشاء

می‌کنند. این گروه هم چنین بیان داشته‌اند: "در کتاب آمده که شورای امنیت، نهادی است که اعمال حق و توی او، شرک است. ما می‌توانیم حق و تو کردن را برای کشورهای دیگر در قالب پیمان‌های کشورهای غیرمتعهد بیان کنیم و تعمیم دهیم، نه این که حق و تو را نادیده بگیریم، زیرا دانش آموز دچار تناقض می‌شود و نمی‌تواند مفهیمی را که فراگرفته، با زندگی مدرن تطبیق دهد. البته این کار، لطافت‌های خاص خود را می‌طلبد. به نظر می‌رسد، این مباحث به‌طور دقیق و با دیدگاه‌های روان‌شناسانه طرح نشده‌اند، چرا که دانش آموز را دچار تناقض می‌کنند. از سوی دیگر، مثال برخورداری از روحیه‌ی حق‌پذیری را علاوه بر مفاهیم باید به‌صورت الگو برای بچه‌ها چششی کرد، باید مصداق یا موارد را ارائه کرد، یعنی کدام توجه و کجا به‌صورت عملی، توجه و مصداق هر یک از این بزرگواران را می‌توانیم ببینیم. چون سلوک، نیازمند نماد و الگوست؛ لذا این الگوها باید آشکار باشند". منابع اطلاعاتی هم چنین بیان کرده‌اند که مقدمه‌ی کوتاهی در زمینه‌ی مفهوم تمدن با طرح این سؤال که «تمدن چیست که اسلام دارای قدرت تمدن‌سازی است؟» مورد نیاز است، زیرا دانش‌آموز ممکن است ذهنیت روشنی از مفهوم تمدن نداشته باشد. دبیران نیز تأکید داشته‌اند که بخش دین و تمدن جدید هر چند که ضروری است، اما بحث تاریخی است و چندان به اعتقادات مربوط نمی‌شود. این بحث به ریشه‌یابی موضوع و افول تمدن اسلامی پرداخته، راه احیاء تفکر دینی را توضیح نداده و تنها به هویت از دست‌رفته‌ی گذشته اشاره کرده است که البته پاسخ‌گوی نیاز جوان امروز نیست! از دیدگاه آنان، به نظر می‌رسد بسیاری از مباحث ضروری و اساسی که می‌توانست حداقل، هویت فرهنگی و در سطح بالاتر، هویت دینی را به جوانان ما ارائه دهد، آن‌هم به‌صورت متنوع و همراه با زیباشناختی دین و فرهنگ دینی؛ کاملاً مسکوت مانده و به آن پرداخته نشده است.

گفته شده که به‌جای تلاش برای کاستن از حجم کتاب، بهتر است تلاش شود تا بخش دوم کتاب توسعه یابد و در کنار آن، ساعات درسی به ۴ ساعت در هفته افزایش یابد، زیرا یکی از نقاط ضعف جامعه‌ی اسلامی، بی‌خبری از وجود تمدنی سرشار از معرفت و اخلاق و تأثیرگذار در حوزه‌های زندگی بشری است. چنانچه در این قسمت بیشتر از بعد محتوایی، سرمایه‌گذاری شود و جوانان به‌صورت میلیونی از عظمت تمدن و دین خود آگاه شوند، قطعاً از شیفتگی به تمدن غربی و مظاهر آن کاسته می‌شود. از دیدگاه صاحب‌نظران، توجه به وحدت ادیانی، وحدت شیعه و سنی و این که دین اسلام مبنای هر نوع توسعه‌ی ذهنی، اجتماعی، اقتصادی و معنوی را مطرح می‌کند نیز باید بیشتر مورد تأکید قرار گیرد. به‌علاوه، مبحث "انتظار" به‌عنوان یک مطلب اساسی در رویکرد شیعی کشور مطرح است که می‌تواند ذیل عنوان بندگی یا تمدن‌سازی و آمادگی برای تمدن آخرالزمان، مطرح شود. ایشان هم چنین منابع کتاب، معرفی مراکز پاسخ‌گو به شبهات دینی، معرفی کتاب، نرم‌افزار و سایت‌های مناسب در پایان کتاب را نیز لازم دانسته‌اند. از دیدگاه این گروه از پاسخ‌دهندگان، شیوه‌ی تلفیق در راهنمای برنامه، مشخص نشده که از چه نوعی است. بنابر این مؤلف، از سویی می‌تواند از هر نوع تلفیقی در تألیف کتاب استفاده کند و از سویی دیگر، به‌دلیل مشخص نبودن شیوه‌ی تلفیق، با محدودیت مواجه است. ایشان، مفهوم مشهود بودن پروردگار برای همه‌ی مخلوقات از جمله انسان را، از نظر چشش و تجربه‌ی ذهنی دانش‌آموز، نیازمند تبیین خواننده‌اند. در همین راستا، لازم دانسته‌اند که بحثی در روش‌های توحیدی شدن جوامع با عنوان "روش‌های توحیدی کردن و توحیدی شدن جوامع چیست؟" مطرح شود. این موضوع بسیار مهم است، چون در اینجا بحث‌هایی مانند توحید و شرک در جهان امروز مطرح شده که دانش‌آموز را دچار تناقض

جدول ۱۰. خلاصه‌ی یافته‌های سؤال دهم

مؤلفه اصلی	محورها یا مقوله‌های مورد بررسی	حضور در کتاب
جنبه‌های مثبت و نارسایی‌های احتمالی کتاب	پرهیز از پیچیده‌گویی، متن زیبا و روان، فعال کردن مخاطب، به‌روز بودن مباحث، تلفیق مفاهیم قرآنی و معارف اسلامی، فعالیت‌محوری کتاب، ایجاد علاقه و انگیزه‌ی یادگیری در امور دینی	تأیید
	مقدمه‌ای درباره‌ی جهان‌بینی، تصاویری از زیبایی‌های طبیعت یا عبادت اولیاء خدا، رنگ کادرها و نوع خط، میزان زمان آموزش، اطلاع از وجود تمدنی سرشار از معرفت و اخلاق و تأثیرگذار در حوزه‌های زندگی بشری، توجه به وحدت ادیانی، وحدت شیعه و سنی، مبحث "انتظار" به‌عنوان یک مطلب اساسی در رویکرد شیعی، منابع و ارجاعات، معرفی مراکز پاسخ‌گو به شبهات دینی، معرفی کتاب و نرم‌افزار و سایت‌های مناسب، نبود شیوه‌ی تلفیق مشخص در راهنمای برنامه، تبیین مفهوم مشهودبودن پروردگار، روش‌های توحیدی شدن جوامع، برخورداری از روحیه‌ی حق‌پذیری به‌صورت الگو، مقدمه‌ی کوتاهی در زمینه‌ی مفهوم تمدن، ریشه‌یابی موضوع و افول تمدن اسلامی، راه احیاء تفکر دینی، هویت فرهنگی و هویت دینی	انتقاد

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، اطلاعات دریافت‌شده در این پژوهش، متکی بر رویکرد کیفی بوده و استفاده از شاخص‌های کمی مانند پرسش‌نامه‌های سازمان‌یافته یا بسیار سازمان‌یافته - به‌همراه مقیاس‌های چندگزینه‌ای و ارائه‌ی جداول فراوانی و درصد - میسر نبود. بدین معنا که سؤال‌های بازپاسخ و نیمه‌ساختاری در هر پرسش‌نامه و مصاحبه‌های انجام‌شده، امکان نقد و قضاوت در باره‌ی محتوای کتاب را به‌شکل کیفی برای پاسخ‌دهندگان فراهم کرده‌اند. آنان با وجود آن‌که از جنبه‌ی تأیید، بسیاری از موارد را مثبت ارزیابی کرده‌اند، اما موارد بسیار دیگری را نیز از حیث کاستی و نارسایی، به نقد کشیده و بعضاً راهکارهای اصلاحی پیشنهاد کرده‌اند. در برخی از موارد نیز در عین حالی که به نکات ارزنده‌ای اشاره نموده‌اند، اما جهت‌گیری خاصی را نشان نداده‌اند. آنان در مقام تأیید خاطر نشان ساخته‌اند که حضور برخی از رویکردها در میان مباحث کتاب قابل مشاهده‌اند و کتاب، ویژگی کمال‌گرایی را داراست. طرح مباحث، همراه با استدلال، تفکر و تعقل

به‌عنوان یکی از پایه‌های فرهنگ و تمدن اسلامی، در عموم مباحث کتاب و به اقتضای محتوا، مورد توجه واقع شده و به‌طور کلی، تفکر عقلی و نگاه خردمندانه، و تجزیه و تحلیل مسائل با کمک تحلیل‌های عقلی، بر زوایای کتاب، پرتوافکنی دارد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که شرط دست‌یافتن به رویکرد زیبایی‌گرایی به‌طور واقعی، نزدیک شدن به ادبیات و زبان قرآن است. در میان مباحث مطرح‌شده، پرداختن به سیره‌ی عملی معصومین (علیهم‌السلام) قابل تأمل می‌نماید و به‌نظر می‌رسد با توجه به اهمیت موضوع و نیاز اساسی در این زمینه، لازم است برنامه‌ریزان، عنایت ویژه‌ای مبذول نمایند. شایان ذکر است که ارائه‌ی الگوها و مصداق‌های عملی، راهکار پیشنهادی در این خصوص بوده است. نتایج پژوهش انجام‌شده‌ی دیگر نیز استفاده بیشتر از سنت و سیره‌ی معصومین (صلوات‌الله‌علیهم) را مورد تأکید قرار داده است [۱۳]. هم‌چنین رفع این شبهه که "دین، پاسخ‌گوی نیازهای امروز نیست" به‌عنوان یکی از ملزومات محتوای کتاب، قلمداد شده است. به‌عبارتی، نقش دین در پاسخ‌گویی به مسائل دنیای امروز باید پررنگ‌تر مشاهده گردد. اظهارات ارائه‌شده حاکی از آن

ارتباطی مستقیم محسوب می‌شود. لذا در این بخش نیز معلم به‌عنوان یک عنصر مهم و تأثیرگذار شناخته شده که سهم عمده‌ای در این جریان به‌عهده دارد. اطلاعات دریافت‌شده در این خصوص حاکی است که تقویت توانمندی‌ها و قابلیت‌های معلمان در این زمینه، به‌طور جدی مورد تأکید می‌باشد و این در حالی است که طبق گفته‌ی منابع اطلاعاتی، ارائه‌ی شیوه‌ی خاصی از ارزشیابی در مباحث کتاب، نامشهود است. در مقابل، نبود یک سیستم نظارتی درست و تخصصی بر کار معلمان که سبب شده آنان بنا بر سلیقه‌ی شخصی، میزان توانمندی متفاوت و میزان تعهد یا عدم تعهد خود، عمل کنند نیز دست‌اندرکاران را به چاره‌اندیشی پیرامون این موضوع وادار می‌کند. یکی از مباحث چالش‌برانگیز دیگری که توجه بسیاری را به‌خود معطوف داشته، تأمین نیازهای دانش‌آموزان در این مرحله‌ی سنی است. برنامه‌ی درسی تعلیم و تربیت دینی به‌منظور پاسخ‌گویی به شبهات و نیازهای دینی دانش‌آموزان، محورهایی را مدنظر قرار داده که از طریق محتوای کتاب درسی مربوط، قابل پیگیری است. با استناد به اطلاعات دریافتی، بخشی از نیازها و مسائل دینی و مذهبی دانش‌آموزان، پاسخ داده شده‌اند و بخشی دیگر، بدون پاسخ مانده‌اند. به‌عبارتی، مسائل اعتقادی دانش‌آموزان تا حدودی پاسخ داده شده، اما شبهات اصلی در این خصوص، نه مطرح شده و نه پاسخ داده شده‌اند. بدین ترتیب لازم است تولیدکنندگان برنامه، در این زمینه، به بازنگری محتوای کتاب پردازند. عقیده بر این است که در بعد مسئولیت اجتماعی افراد، مطالب مؤثری در کتاب بیان شده، اما بحث در بعد مسئولیت فردی، مورد انتقاد قرار گرفته و به‌نظر می‌رسد نیاز بیشتری به تأمل و تعمق داشته باشد. یکی از برجسته‌ترین نکات مورد اشاره که به‌عنوان نکته‌ی مثبت کتاب ارزیابی شده، تلفیق مفاهیم قرآنی و معارف اسلامی و گویای اصالت قرآن و منشاء پیدایش معارف اسلام از سوی خدا و سپس پیامبر و ائمه‌ی اطهار (علیهم‌السلام) است. در

است که چگونه زیستن همراه با معنویت و بهره‌گیری از دنیا، اصلی است که مورد توجه قرار نگرفته و نقش جوان در حفظ هویت اسلامی، مطرح نشده است. پرداختن به مسائل روز جامعه مانند موسیقی و احکام مربوط به حجاب و سایر موارد مبتلابه جوانان، از جمله مباحثی است که ضرورت طرح آن در کتاب، احساس می‌شود. اظهار نظرها هم‌چنین نشان می‌دهند که مبحث ارائه شده در ارتباط با منزلت انسان در اسلام کامل نیست و می‌توان گفت تا حدودی مغفول واقع شده است. حقوق زن و مرد و روابط آن‌ها در جامعه، مسئولیت‌های جوان در جامعه‌ی اسلامی و احساس تعهد نسبت به جامعه و تنظیم زندگی مطابق با معیارهای اسلامی نیز جزء اهداف بیان‌نشده، مدنظر قرار گرفته است. در خصوص روش‌های تدریس پیش‌بینی‌شده؛ منابع اطلاعاتی، روش تدریس به‌صورت مشارکتی و همیاری را جزء آن دسته از روش‌های پرکاربرد نام برده‌اند که قابلیت استفاده در تمامی دروس را دارند، اما از آنجا که نقش معلم در آموزش مباحث کتاب، نقشی کلیدی و حیاتی و تأثیرگذار به‌شمار می‌آید، بنابر این، برگزاری دوره‌های آموزشی ضمن خدمت نیز بسیار ضروری قلمداد شده‌اند، چرا که هنر و توانمندی معلم و تسلط او بر شیوه‌های تدریس، مهم‌ترین شرط تحقق اهداف مورد نظر برنامه می‌باشد. در همین راستا، نتایج پژوهش انجام‌شده توسط میرعارفین [۱۴] نیز نشان می‌دهند که آموزش و بازآموزی معلمان باید در دستور کار مجریان نظام آموزشی قرار گیرد که حاکی از اهمیت موضوع است. هم‌چنین فعالیت‌های یادگیری با استفاده از روش کنفرانس دانش‌آموزی، مورد تأکید قرار گرفته و بیان شده که این روش برای تقویت حس اعتماد به‌نفس و رفع دلهره و اضطراب در نقد مطالب، سودمند است. با توجه به دیدگاه‌های پاسخ‌دهندگان، ارتباط میان روش‌های تدریس و ارزشیابی پیشرفت تحصیلی،

همین راستا، نکته‌ی قابل ذکر این است که مطابق با سند راهنمای برنامه‌ی درسی تعلیم و تربیت دینی، ادغام مفاهیم قرآنی و معارف اسلامی در یک برنامه‌ی مشترک، اساس تنظیم محتوا قرار گرفته است. لذا گروه برنامه‌ریز درسی در تدوین و تعیین مؤلفه‌های برنامه، شیوه‌ی تلفیق را پیش گرفته‌اند، اما طبق نظر برخی از منابع اطلاعاتی، شیوه‌ی تلفیق در راهنمای برنامه، مشخص نشده که از چه نوعی است. بنابر این، مؤلف، از سویی می‌تواند از هر نوع تلفیقی در تألیف کتاب استفاده کند و از سویی دیگر، به دلیل مشخص نبودن شیوه‌ی تلفیق، با محدودیت مواجه است. به همین دلیل به نظر می‌رسد که ضروری است در بازنگری برنامه، به این موضوع از جنبه‌ی برنامه‌ریزی و تنظیم محتوای مباحث کتاب، بذل توجه خاص شود. از سوی دیگر باید گفت برای آن‌که جوانان از شیفتگی در برابر مظاهر و تمدن غربی، خارج شوند، آگاهی دادن به آن‌ها از وجود تمدنی سرشار از معرفت و اخلاق و تأثیرگذار، و نیز درک عظمت تمدن و دین خود در حوزه‌های زندگی بشری، و در نهایت، سرمایه‌گذاری محتوایی در این ابعاد، ضروری ذکر شده است.

با این توصیف باید گفت برای آن‌که برنامه‌های درسی بتوانند به‌طور مؤثرتر به وظایف خود عمل کنند، برنامه‌ریزان درسی ناگزیر از بررسی‌های مداوم‌اند. این نوع بررسی به منظور تناسب مؤلفه‌های برنامه‌ی درسی با نیازهای دانش‌آموزان و نیز همخوانی درونی آن‌ها صورت می‌گیرد. به علاوه، اهمیت فرایند بازنگری و اصلاح برنامه‌ی درسی و به‌روز کردن آن، به اندازه‌ای است که به نظر می‌رسد لازم است هر سال پیش از ورود به مدرسه، مورد بررسی علمی قرار گیرد. در منطقه‌ی آموزشی کاریهو (Chariho) نیز فرایند برنامه‌ی درسی هر سال از طریق شورای برنامه‌ریزی منطقه، به‌هنگام می‌شود. این فرایند، زمینه‌های بازنگری مستمر برنامه‌ی درسی مبتنی بر ارزشیابی برنامه‌ی رایج را

فراهم می‌کند. این نوع بازنگری به‌منظور دریافت مواد درسی و آموزشی بهبودیافته برای تدوین برنامه‌ی جدید، یک ضرورت محسوب می‌شود [۶]. بدین ترتیب است که توجه به نیازهای فردی و اجتماعی دانش‌آموزان و نیز اقتضات زمانی، از سوی تهیه‌کنندگان برنامه، جزء لاینفک تدوین یک برنامه‌ی درسی محسوب می‌گردد. به‌همان اندازه که در نظر گرفتن مطالبات دانش‌آموزان و نیل به فرصت‌های مناسب یادگیری در برنامه‌ی درسی از اهمیت خاص برخوردار است؛ بی‌مهری و بی‌توجهی نسبت به خواسته‌های آنان و شرایط زمانی می‌تواند زیان‌های جبران‌ناپذیری به‌همراه داشته باشد. اگرچه ممکن است نتایج ناشی از این بی‌توجهی، به‌زودی، فرصت بروز و ظهور نیابند، اما در طولانی‌مدت و در زمانی که انتظار به‌بار نشستن و کاربست‌های مناسب محصول برنامه‌ریزی می‌رود، آشکارا خود را نشان می‌دهند. در آن زمان، دیگر تغییر و اصلاح برنامه‌ی درسی مربوط، امری بی‌نتیجه قلمداد می‌شود و ممکن است مسیر اصلی را به بیراهه بکشاند. لذا بررسی‌ها، نقدها، دریافت نظرات پیگیر متخصصان موضوعی، برنامه‌ریزان درسی، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان، معلمان و دبیران، دست‌اندرکاران آموزشی، والدین و دانش‌آموزان، شناسایی آسیب‌ها، چالش‌ها، تهدیدها، قوت‌ها، ضعف‌ها و حمایت‌های مربوط به حوزه‌ی برنامه‌ریزی درسی، خطرات را به حداقل ممکن کاهش می‌دهد. این فعالیت مداوم، در تضمین کیفیت و بهبود برنامه‌ی درسی با توجه به شرایط زمانی و مکانی کاربران، نقش اساسی ایفا می‌کند و بر اعتبار و سلامت برنامه می‌افزاید. برای آن‌که ایران عزیز نیز به‌عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه، به تحولات جهانی نزدیک شود و به نسل‌های بعد از خود - با توجه به ایدئولوژی حاکم بر جامعه‌ی اسلامی - راه و رسم زندگی نوین را بیاموزد؛ نیازمند تغییر و تحول در راهبردها و راهکارهایی است که از طریق فرصت‌های پیش‌بینی شده در برنامه‌های درسی بتواند آنان را در نیل به

اسلام، نوشتن گزارش‌ها و ارائه‌ی یافته‌های مربوط؛ در راستای به‌کارگیری الگوهای عینی و عملی، دانش‌آموزان را در موقعیت‌های واقعی زندگی هدایت نماید. در این خصوص حتی مباحث مربوط به "ارتباط دین با علم و تکنولوژی امروز" در نشست‌ها و کنفرانس‌های دانش‌آموزی می‌تواند به چالش کشیده شود.

استفاده از سنت و سیره‌ی عملی ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) یکی دیگر از راهکارهایی است که می‌توان در برنامه، پیش‌بینی کرد. مراحل این نوع فعالیت‌ها می‌تواند در کتاب راهنمای معلم به‌شکل عملی و اجرایی مورد توجه قرار گیرد تا معلم از قبل آن و با کمک گرفتن از روش‌های تدریس مشارکتی، ایفای نقش، مطالعه و تحقیق و ...، دانش‌آموزان را با رفتارهای پیشوایان دین اسلام آشنا سازد.

برگزاری همایش‌ها، نشست‌ها، ارتباط با برنامه‌ریزان و مؤلفان کتاب‌های درسی، آموزش‌های ضمن خدمت مداوم، نظارت و ارزیابی بر کار معلمان، تولید نرم‌افزارها و منابع علمی - آموزشی و ...، موجبات فراهم آمدن زمینه‌های رشد و ارتقای حرفه‌ای و علمی، تغییر نگرش‌های آنان در خصوص موضوع مورد بحث و ایجاد دلگرمی در امر آموزش می‌شود، به‌گونه‌ای که در یافتن جایگاه خاص خود و ارائه‌ی نقش معلمی، تلاشی بی‌وقفه را به‌نمایش خواهند گذاشت، چرا که از این مجرا و از طریق او به‌عنوان عنصر اصلی و کارگزار در فرایند یاددهی - یادگیری، تحقق برنامه‌ی درسی امکان‌پذیر خواهد شد.

تربیتی جامع و برخوردار از شعائر دین اسلام و هویت دینی و ملی به‌همراه انتقال دانش و مهارت روز، به‌سمت آینده‌ای نوین هدایت کند. این امر میسر نمی‌شود، مگر آن‌که نظام برنامه‌ریزی درسی ایران، در اندیشه‌ی به‌روز شدن، فرایند بازنگری مداوم برنامه‌های درسی را فعال نگه دارد و آن را در دستور کار خود قرار دهد.

به هر روی، ارزشیابی را می‌توان به‌عنوان یک حوزه‌ی معرفتی مجزا، با قابلیت‌های بررسی و قضاوت برشمرد که می‌تواند در بهبود و کیفیت برنامه‌های درسی در حین تکوین؛ تولیدکنندگان برنامه و مؤلفان کتاب درسی را در تمامی مؤلفه‌های مورد نظر، یاری نماید و به اعتبار و سلامت تولیدات علمی آن‌ها، بیفزاید.

پیشنهاد‌های کاربردی

با استناد به دیدگاه‌های منابع مختلف اطلاعاتی به‌منظور اتخاذ تصمیمات منطقی‌تر و قابل دفاع‌تر در کیفیت بخشی برنامه‌ی مورد نظر، پیشنهادهای مطرح می‌شوند:

از آنجا که هر یک از رویکردهای مطرح شده در برنامه‌ی درسی دین و زندگی، جهت‌گیری‌های خاصی را مد نظر دارند، پیشنهاد می‌شود برنامه، با پیش‌بینی‌های علمی و دینی معارف اسلام، از طریق ساخت فیلم‌های مناسب، برگزاری همایش‌های دانش‌آموزی، نمایش‌های آموزشی، پژوهش‌های مدرسه‌ای، بازدید از موزه‌ها و مکان‌های دینی مانند مساجد، مصاحبه با علمای دین

منابع

۱۰. باقری، خسرو (۱۳۸۵). ارزشیابی آموخته‌ها از منظر معرفت‌شناسی دانش صریح و دانش ضمنی: قلمرویی نوین در فلسفه‌ی برنامه‌ی درسی. تهران، فصلنامه‌ی انجمن مطالعات برنامه‌ی درسی ایران، شماره‌ی ۲.
۱۱. فتحی واجارگاه، کوروش (۱۳۷۷). اصول برنامه‌ریزی درسی. تهران، انتشارات ایرات زمین.
۱۲. ملکی، حسن و همکاران (۱۳۷۹). جزوه‌ی منشور مدیریت. دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، تهران
۱۳. مقصودی، مجتبی (۸۱-۱۳۸۰). ارزشیابی از اجرای آزمایشی کتاب دین و زندگی. تهران، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی.
۱۴. میرعارفین، فاطمه‌سادات (۱۳۸۳). ارزشیابی کتاب درسی دین و زندگی ۲، از دیدگاه صاحب‌نظران و دبیران درس دینی. تهران، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی.
۱۵. میرعارفین، فاطمه‌سادات (۱۳۸۴). ارزشیابی کتاب درسی دین و زندگی ۳، از دیدگاه صاحب‌نظران و دبیران درس دینی. تهران، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی.
۱. ملکی، حسن (۱۳۸۲). دین و برنامه‌ی درسی. تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، چاپ اول، تابستان.
۲. گروه درسی تعلیم و تربیت دینی (۱۳۸۳). راهنمای برنامه‌ی درسی تعلیم و تربیت دینی (درس تعلیمات دینی و قرآن)، دوره‌ی متوسطه و پیش‌دانشگاهی. تهران، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
۳. بازرگان، عباس (۱۳۸۱). ارزشیابی آموزشی. تهران، سمت، چاپ اول، پاییز.
4. McNamara, Carter, MBA. (1997-2007). Basic Guide to Program Evaluation. Authenticity Consulting, LLC. Copyright. http://www.managementhelp.org/evaluation/fnl_eval.htm
5. Smith, Mark K. (2001, 2006). Evaluation. <http://www.infed.org/biblio/b-eval.htm>
6. Chariho Regional School District (2008). Curriculum Improvement Process (CIP). http://www.chariho.k12.ri.us/teach_learn/curr_improvement_process1.htm
۷. ولف، ریچارد (۱۳۷۵). ارزشیابی آموزشی. ترجمه: علیرضا کیامنش، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم.
۸. فروز بخش، فیروزه و همکاران (۱۳۸۰). راهنمای اعتبار بخشی برنامه‌ی درسی. آموزشی، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی، تهران
9. Howard, Diane. (2003). Effective Curriculum for 21st Century Learners. http://www.dianehoward.com/effective_curriculum_for_21st_cen._learners.htm